



میزان الصرف

تالیف:

سراج الدین عثمان اودی

تسهیل و تنظیم:

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

منتدی اقرأ الثقافی
www.iqra.ahlamontada.com

لتحميل انواع الكتب راجع: (مُنْتَدَى إِقْرَأِ النُّقَافِي)

براي دانلود کتابهای مختلف مراجعه: (مُنْتَدَى إِقْرَأِ النُّقَافِي)

بۆدابهزاندهی چۆرهما کتیب:سەردانی: (مُنْتَدَى إِقْرَأِ النُّقَافِي)

www.lqra.ahlamontada.com



www.lqra.ahlamontada.com

للكتيب (كوردی , عربي , فارسي)

میزان الصرف

تألیف:

سراج الدین عثمان اودهی (رح)
متوفای ۷۵۸ هـ

منشعب

تألیف:

ملاحمره بدایونی هندی (رح)

ترتیب و تسهیل:

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

ویرایش و تصحیح جدید

سراج الدین عثمان، اودھی، ۷۵۸ ق

میزان الصرف / تألیف سراج الدین عثمان اودھی. منشعب / تألیف ملاحمزه بدایونی هند،

تسهیل و ترتیب: ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی.. (ویرایش جدید).

ISBN 964-7381-02-6

زاهدان: فاروق اعظم، ۱۳۸۶.

د، ۱۴۴ص: جدول.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا. چاپ پنجم.

زبان عربی-صرف. الف. بدایدنی هندی. حمزه. منشعب ب. مرادزهی، عبدالمجید، ۱۳۳۹،

گردآورنده. ج. د. عنوان: منشعب.

۱۳۸۶

۴۹۲/۷۵

۴۹م س ۶۱۳۱/ Pz

۸۰- ۱۵۹۰۳

کتابخانه ملی ایران

محل نگهداری:

میزان الصرف و منشعب

تألیف: سراج الدین عثمان اودھی (رح)

ترتیب و تسهیل: ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

ناشر: انتشارات فاروق اعظم

امور فنی و نظارت چاپ: مؤسسه فرهنگی پژوهشی المرتضی

نوبت چاپ: هشتم

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۰

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

شابک: ۶- ۰۲- ۷۳۸۱- ۹۶۴

مرکز پخش: زاهدان خیابان خیام روبروی مسجد جامع مکی

تلفن: ۰۵۴۱ - ۲۴۱۸۸۳۸

فهرست مطالب

۱ مقدمه
۲ زبان، جمله، کلمه، حرف
۸ حروف در زبان عربی
۸ علوم عربیه
۹ علم صرف
۹ تعریف:
۹ فایده علم صرف:
۱۰ موضوع علم صرف:
۱۰ تعریف لفظ و کلمه:
۱۱ انواع کلمه:
۱۲ واضع و مدوّن علم صرف:
۱۲ مؤلف «میزان الصرف»:
۱۵ درس اول: تعریف فعل
۱۵ انواع فعل مُتَصَرِّف به اعتبار زمان
۱۷ درس دوم: تعداد صیغه‌های فعل ماضی و مضارع
۱۸ فعل معلوم و مجهول
۱۹ طریقه ساخت فعل ماضی مجهول
۲۱ درس سوم: فعل مثبت و منفی
۲۱ فعل ماضی منفی
۲۴ درس چهارم اقسام فعل ماضی
۲۷ درس پنجم فعل مضارع و چگونگی ساخت آن
۲۸ فعل مضارع مجهول مثبت
۳۲ درس ششم فعل مضارع منفی
۳۷ درس هفتم فعل جَحَد منفی با «لَمْ» جازمه
۴۱ درس هشتم فعل مستقبل مؤکد با لام و نون تأکید

۴۸	درس نهم روش ساختن فعل امر
۴۹	روش ساختن امر حاضر مجهول و غایب معلوم و مجهول
۵۶	درس دهم روش ساخت فعل نهی
۶۴	درس یازدهم روش ساخت اسم فاعل و اسم مفعول از «ثلاثی مجرد»
۶۷	درس دوازدهم اسم ظرف زمان، مکان و اسم آله
۷۰	درس سیزدهم اسم تفضیل
۷۳	درس چهاردهم حروف اصلی و زائد، ثلاثی و رباعی
۷۵	درس پانزدهم ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۱)
۷۹	درس شانزدهم ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۲)
۸۳	درس هفدهم ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۳)
۸۵	درس هجدهم ابواب شاذ ثلاثی مجرد (۱)
۸۸	درس نوزدهم ابواب شاذ ثلاثی مجرد (۲)
۹۱	درس بیستم ابواب ثلاثی مزیدفیه (۱)
۹۵	درس بیست و یکم ابواب ثلاثی مزیدفیه (۲)
۹۸	درس بیست و دوم ابواب ثلاثی مزیدفیه (۳)
۱۰۱	درس بیست و سوم ابواب ثلاثی مزیدفیه (۴)
۱۰۵	درس بیست و چهارم نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۱)
۱۰۹	درس بیست و پنجم نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۲)
۱۱۲	درس بیست و ششم نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۳)
۱۱۴	درس بیست و هفتم رباعی و انواع آن (۱)
۱۱۷	درس بیست و هشتم رباعی و انواع آن (۲)
۱۲۰	درس بیست و نهم ثلاثی مزید ملحق به رباعی مجرد (۱)
۱۲۵	درس سی ام ثلاثی مزید ملحق به رباعی مجرد (۲)
۱۳۰	درس سی و یکم ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۱)
۱۳۳	درس سی و دوم ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۲)
۱۳۷	درس سی و سوم ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۳)



پیشگفتار چاپ دوم

الحمد لله رب العلمين و الصلاة و السلام على سيد الانبياء و خاتم المرسلين و على آله و أصحابه أجمعين إلى يوم اليقين.

رساله هذا كتابي است به نام «میزان الصرف» با ضمیمه «منشعب» که در حدود شش قرن پیش، در علم صرف نوشته شده و چون برای مبتدیان و نوآموزان بسیار مفید و در سطح فهم آنان می باشد، در طول این مدت در تمامی مدارس و حوزه های علمیه، تدریس می شده و طلاب علوم دینی از آن بهره وافر می گرفته اند.

در حال حاضر نیز در مدارس عربیه بعنوان اساسی ترین کتاب در فن صرف برای نوآموزان در نظر گرفته شده و تدریس می شود و جزو برنامه درسی «شورای هماهنگی حوزه های علمیه اهل سنت سیستان و بلوچستان» نیز می باشد.

در عصر حاضر که برای طلاب و دانش آموزان مراحل ابتدایی بهترین روش تدریس، روشی است که همراه با پرسش و تمرین بوده و متن و زبان کتاب نیز ساده باشد.

اینک بنا به پیشنهاد بعضی از بزرگان و دوستان، بر آن شدم تا این رساله را به همان روش در آورم که با فضل خداوند متعال این کار آغاز و انجام پذیرفت.

چاپ اول کتاب در تیراژ پنج هزار جلد به پایان رسید. البته اشکالات چاپی در آن وجود داشت، که در چاپ دوم ضمن رفع اشکالات، یک بازنگری کاملی در آن صورت گرفت و در قسمت تمرینها اضافاتی نیز بعمل آمد و با حروفچینی جدید اینک تقدیم علاقمندان می شود.

چنانچه اساتید محترم، دین واقعی خویش را در تدریس آن و دانش آموزان عزیز، مسؤولیت خطیر آموختن و تعلّم صحیح خویش را ادا کنند، پس از خواندن این کتاب، اساس و ریشه صرفی آنان بسیار تقویت خواهد شد و بهره کاملی از علم صرف خواهند برد.

در پایان از اساتید بزرگوار و علمای اعلام استدعا می شود هرگونه نظر و پیشنهادی را در این باره، متذکر شوند تا به عون الله در چاپهای آینده ملحوظ نظر قرار گیرد.

از همه خوانندگان و استفاده کننده گان التماس دعای خیر و توفیق بیش از پیش را دارم.

و من الله التوفیق و علیه التوکل و الاعتماد

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

شهرپور هزار و سیصد و هفتاد و شش

مشهد - وکیل آباد



برای یادگیری هر زبان، نخست یادگرفتن قواعدی لازم است که بتوان با آن قواعد، آن زبان را به خوبی یاد گرفت.

این قواعد را به فارسی: «دستور زبان»

و به عربی: «صرف و نحو»

و به انگلیسی: «گرامر» گویند.

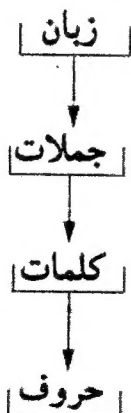
زبان، جمله، کلمه، حرف

زبان: مجموعه‌ای از «جملات» و عبارات یک قوم است که با آن تکلم می‌کنند.

جمله: مجموعه‌ای از «کلمات» است که به یکدیگر نسبت داده شده باشد.

کلمه: مجموعه‌ای از «حروف» است که دارای معنی باشد.

بنابراین، یک زبان بدینصورت ترکیب و درست می‌شود:



حروف در زبان عربی

زبان عربی دارای بیست و هشت «حرف و الفبا» می باشد. و هر یک از آنها اسمی و رسمی دارد. اما اسم آنها عبارت است از:

الف و همزه، باء، تاء، ثاء، جیم، حاء، خاء، دال، ذال، راء، زاء، سین، شین، صاد، ضاد، طاء، ظاء، عین، غین، فاء، قاف، کاف، لام، میم، نون، هاء، واو، یاء.

و اما رسم و شکل آنها عبارتست از:

ا - ب - ت - ث - ج - ح - خ - د - ذ - ر - ز - س - ش - ص -
ض - ط - ظ - ع - غ - ف - ق - ک - ل - م - ن - ه - و - ی.

علوم عربیه

علوم عربیه که به آن «علوم ادبیات عرب» نیز می گویند، چهارده علم است.

- ۱- علم صرف ۲- علم اشتقاق ۳- لغت ۴- نحو ۵- کِتَابَت ۶- قِرَاءَت ۷- تَجْوِید
 - ۸- معانی ۹- بیان ۱۰- بدیع ۱۱- شعر ۱۲- انشاء ۱۳- أمثال ۱۴- تاریخ ادب.
- که مهم ترین و اساسی ترین این علوم، سه علم: «صرف، نحو و لغت» است، و کسی که با این علوم مخصوصاً «صرف، نحو و لغت» آشنایی داشته باشد، بر زبان عرب مسلط است و می تواند به خوبی از «آیات و روایات» و... بهره وری و استفاده کند.

علم صرف

تعریف:

«صَرْف» در لغت به معنای «تغییر دادن» است، یعنی یک شیئی را از یک حالت به حالت دیگر تغییر داد. چنانکه می‌گویند:

«صَرَفْتُ الشَّيْءَ» ای «غَيَّرْتُهُ»

و در اصطلاح علمای صرف، «علمی است که گفتگو می‌کند از نقل و تغییر یک کلمه به صورت‌های گوناگون تا معانی مقصود و دلخواه بدست آید» به عبارتی دیگر:

«علم صرف، علمی است که در آن از صورت‌ها و هیئتهای گوناگون کلمات مفردة موضوعه عربیه، بحث می‌شود و قواعد و اصول ساختن کلمه را به انسان می‌آموزد.»
مانند: «ضَرَبَ» (زد) که پس از نقل به صورت‌های دیگر، می‌شود:
«يَضْرِبُ» (می‌زند)، «ضَارِبٌ» (زننده)، «مَضْرُوبٌ» (زده شده)،
«إِضْرِبْ» (بزن) و غیره.
بنابراین، می‌گویند: کلمه «ضَرَبَ» صرف شده است.

فایده علم صرف:

در هر زبانی بسیاری از کلمه‌ها، از کلمه دیگری گرفته می‌شوند. مثلاً در فارسی کلمه‌های:

«خواندم - خواندی - خواند - بخوان و یا: می خوانم - می خوانی - می خواند و...» از ماده «خواندن» گرفته شده‌اند.

در عربی نیز چنین است؛ و علمی که در پرتو آن، این نقلها و تغییرات انجام می‌گیرد، «علم صرف» نام دارد. بنابراین، باید «علم صرف» را بیاموزیم تا:

۱- کلمه‌ها را به خوبی بشناسیم

۲- به معانی آنها بخوبی پی ببریم

۳- و بتوانیم برای هر معنای دلخواه‌مان، مطابق استعمالات و کاربردهای عرب، کلمات مناسب بسازیم؛ و اینست فایده علم صرف.

موضوع علم صرف:

موضوع این علم، عبارتست از «کلمه» زیرا از آغاز علم صرف تا پایان آن، از صورتها و هیئتهای نوعی و گوناگون «کلمه» بحث می‌شود.

تعریف لفظ و کلمه:

به هر صورت و صدایی که از دهان خارج شده و بر مخارج حروف تکیه داشته باشد، «لَفْظ» گویند.

لفظ بر دو گونه است:

۱- لَفْظٌ مُسْتَعْمَلٌ: لفظی است که دارای معنا باشد؛ مانند: قَلَمٌ، کِتَابٌ،

آب و به اینگونه الفاظ، «کلمه» گویند.

۲- لَفْظٌ مُّهِمَلٌ: لفظی است که دارای معنا نباشد، مانند: مَلَمٌ در مقابل قَلَمٌ، كِتَابٌ در مقابل کتاب و غیره.
پس، کلمه «لَفْظٌ مُّسْتَعْمَلٌ» است که دارای معنا و مفهوم خاصی باشد».

انواع کلمه:

کلمه بر سه قسم است: اسم، فعل، حرف

۱- اسم: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی بوده و در آن، قید زمان موجود نباشد. مانند: «عِلْمٌ» (دانستن) - «رَجُلٌ» (مرد)

۲- فِعْلٌ: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی بوده و قید زمان در آن موجود باشد. مانند: «ضَرَبَ» (زد آن مرد در زمان گذشته)

۳- حَرْفٌ: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی نیست. مانند: مِنْ (از) عَلَيَّ (بر)؛ بنابراین:

«کلمه» یا معنای مستقلی دارد و یا ندارد؛ اگر نداشته باشد، «حرف» است و اگر داشته باشد، یا همراه با قید زمان است «فعل» و اگر قید زمان ندارد، «اسم» می‌باشد.

و چون «حَرْفٌ» تَصْرِيفٌ نمی‌شود، از موضوع صرف خارج است و «اسم» هم برای اینکه بسیار کم صَرْفٌ می‌شود، آن را نادیده می‌گیرند.
پس در حقیقت، «کلمه فعل» موضوع اصلی علم صرف قرار می‌گیرد.

واضع و مدقّن علم صرف:

زمانی که علم نحو توسط "ابوالاسود دثلی" (از شاگردان و ارادتمندان حضرت علی کرّم الله وجهه) نظم یافت، «علم صرف» بعنوان شاخه‌ای از آن شناخته می‌شد. ولی بعداً "معاذبن مسلم فراء" شاگرد «ابوالاسود دثلی» (متوفای سال ۱۸۷ هـ ق) علم صرف را بطور مستقل پی‌ریزی نمود. بعد از وی "ابوالحسن علی کسائی" (متوفای سال ۱۸۹ هـ ق) معروف به علامه کسائی آن را تکمیل کرد و نظم و ترتیب خاصی به آن داد.

مؤلف «میزان الصرف»:

همانطور که این کتاب از شهرت و امتیاز خاصی برخوردار است، به همان نسبت، مؤلف آن، مجهول الحال و ناشناخته است. و نظریه‌های مختلفی دربارهٔ مؤلف آن اظهار شده ولی قول راجح که اکثر علما و مورخان آن را تأیید نموده‌اند، اینست که مؤلف آن: "شیخ سراج الدین عثمان اودی رح" (متوفای سال ۷۵۸ هجری قمری) از دانشمندان و عارفان قرن هشتم هند می‌باشد.

کتابهای "الهدایه فی النحو" و "پنج گنج" در صرف از آثار همین مؤلف مرحوم هستند.

پرسش و تمرین

- ۱- قواعد زبان را به فارسی چه می‌گویند؟
- ۲- قواعد زبان را به عربی چه می‌گویند؟
- ۳- از مجموعه حروف چه بدست می‌آید؟
- ۴- از مجموعه کلمات چه بدست می‌آید؟
- ۵- از مجموعه جمله‌ها و عبارات چه بدست می‌آید؟
- ۶- حروف و الفبای عربی چند تا است؟
- ۷- حروف را به ترتیب نوشته و حفظ نمائید.
- ۸- علوم عربیه چند تا است؟ و مهمترین آنها کدامند؟
- ۹- علم صرف را تعریف کنید.
- ۱۰- فایده علم صرف را بیان نمائید.
- ۱۱- موضوع آن را بگوئید.
- ۱۲- انواع لفظ را بنویسید.
- ۱۳- کلمه را تعریف نموده انواع آن را با مثال بیان نمائید.
- ۱۴- وضع‌کنندگان و ترتیب‌دهندگان علم صرف را بنویسید.
- ۱۵- مؤلف میزان الصرف کیست؟

بنام خداوندی که یکی از بهترین نعمتهایش «زبان و کلام» را به انسان بخشید و به واسطه آن، نوع بشر را امتیازی بزرگ عنایت فرمود.
و با درود و سلام بر روان پاک بهترین انسانها و خاتم پیامبران، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ و بر آل و اصحاب وی مِنَ الْآنَ اِلَى يَوْمِ الْيَقِينِ.
امّا بعد!

درس اول

تعریف فعل

فعل به کلمه‌ای گفته می‌شود که دلالت کند بر کردن یا شدن کاری در یکی از زمان‌های سه گانه (ماضی، حال، استقبال) مانند: «کَتَبَ» (نوشت) «يَكْتُبُ» (می‌نویسد) «أَكْتُبُ» (بنویس)

انواع فعل مُتَصَرِّفٌ به اعتبار زمان^(۱)

فعل به اعتبار زمان بر سه قسم است: «ماضی»، «حال»، «مستقبل».

۱- فعل ماضی آنست که بر زمان گذشته دلالت کند و آخرش مبنی بر فتحه باشد مانند: کَتَبَ - سَمِعَ - شَرَفَ - دَخِرَجَ. مگر در صورت وجود عارض و مانعی چون: ضَرَبُوا.

۲- فعل حال آنست که بر زمان حاضر دلالت کند.

۳- فعل مستقبل آنست که بر زمان آینده دلالت کند و حرف آخر آن مرفوع می‌شود، مانند: يَكْتُبُ - يَضْرِبُ - يَسْمَعُ - يُدْخِرُجُ. مگر در صورت وجود عارض و مانعی^(۲) چون: لَمْ يَضْرِبْ. صیغه‌های فعل حال

۱- فعل متصرف در اصطلاح علمای اهل صرف به فعلی گفته می‌شود که از مصدر آن، صیغه‌های ماضی، مضارع، امر، نهی و غیره ساخته می‌شوند.

۲- و عارض در ماضی که آخرش مبنی بر فتحه نمی‌شود ضمیر متصل می‌باشد که در آن صورت یا مبنی بر سکون می‌شود چنانکه در ضَرَبْتُ، ضَرَبْتُمْ، ضَرَبْتُ، ضَرَبْنَا یا مبنی بر ضم چنانکه در ضَرَبُوا.

و استقبال یکی هستند.^(۱)

به حال و استقبال، فعل مضارع نیز می‌گویند.

پرسش و تمرین

- ۱- فعل را تعریف نمائید.
- ۲- فعل چند نوع دارد؟ انواع آن را نام ببرید.
- ۳- فعل ماضی را تعریف کنید.
- ۴- فعل مستقبل و حال را تعریف نمائید.
- ۵- در کلمات زیر نوع فعل را مشخص کنید:
سَمِعَ - يَضْرِبُ - كَتَبَ - يَفْتَحُ - يَحْسِبُ.
- ۶- دو مثال برای فعل ماضی و دو مثال برای مستقبل و دو مثال برای حال بنویسید.

و عارض در مضارع نواصب و جوازم می‌باشد که در آن صورت آخرش مجزوم یا منصوب می‌شود و فعل مضارع بدو صورت مرفوع می‌شود در پنج صیغه: يفعل، تفعّل، افعل، تفعّل مرفوع بحرکت رفع و در هفت صیغه، مرفوع با ثبات نون اعرابی می‌شود.
۱- «صیغه» در اصطلاح اهل صرف عبارت از هیتی است که برای کلمه پس از ترتیب حروف با حرکتها و ساکنها، حاصل می‌شود.

درس دَوِّم

تعداد صیغه‌های فعل ماضی و مضارع

هر یکی از فعل ماضی و مضارع دارای چهارده صیغه بشرح ذیل

می‌باشد:

* مذکر عایب: سه صیغه

* مؤنث غایب: سه صیغه

* مذکر مخاطب: سه صیغه

* مؤنث مخاطب: سه صیغه

* واحد متکلم: یک صیغه (برای مؤنث و مذکر که به آن

«مُتَكَلِّمٌ وَحْدَهُ» نیز گویند)

* جمع متکلم: یک صیغه (برای جمع مذکر و مؤنث و تشنیه که

به آن «مُتَكَلِّمٌ مَعَ الْغَيْرِ» نیز گویند)

صرف چهارده صیغه فعل ماضی معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- ضَرَبَ	یک مرد زد	۸- ضَرَبْتُمَا	شما دو مرد زدید
۲- ضَرَبَا	دو مرد زدند	۹- ضَرَبْتُمْ	شما مردان زدید
۳- ضَرَبُوا	مردان زدند	۱۰- ضَرَبْتِ	تو یک زن زدی
۴- ضَرَبَتْ	یک زن زد	۱۱- ضَرَبْتُمَا	شما دو زن زدید
۵- ضَرَبْتَا	دو زن زدند	۱۲- ضَرَبْتُنَّ	شما زنان زدید
۶- ضَرَبْنَ	زنان زدند	۱۳- ضَرَبْتُ	زدم
۷- ضَرَبْتَ	تو یک مرد زدی	۱۴- ضَرَبْنَا	زدیم

* یاد آوری:

مفرد، تثنیه و جمع در صیغه‌ها تعیین نشده است. اساتید محترم ضمن بیان مفهوم آنها برای طلاب، در جدول فوق مشخص نمایند.

فعل معلوم و مجهول

هر یک از فعل ماضی و مضارع به دو قسم معلوم و مجهول تقسیم می‌شوند. «فعل معلوم» آنست که فاعلش معلوم باشد، مانند: كَتَبَ عُمَرُ (عمر نوشت)

«فعل مجهول» آنست که فاعلش نامعلوم باشد، مانند: كَتِبَ (نوشته شد)

طریقه ساخت فعل ماضی مجهول

فعل ماضی مجهول از معلوم آن، چنین ساخته می شود که حرف عین الکلمه را کسره داده و حروف متحرک پیش از آن را، ضمه می دهیم. چنانکه:

ضَرَبَ ← ضَرِبَ. ضَرَبَا ← ضَرِبَا

صرف چهارده صیغه فعل ماضی مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- ضَرِبَ	یک مرد زده شد	۸- ضَرِبْتُمَا	شما دو مرد زده شدید
۲- ضَرِبَا	دو مرد زده شدند	۹- ضَرِبْتُمْ	شما مردان زده شدید
۳- ضَرِبُوا	مردان زده شدند	۱۰- ضَرِبْتِ	تو یک زن زده شدی
۴- ضَرِبَتْ	یک زن زده شد	۱۱- ضَرِبْتُمَا	شما دو زن زده شدید
۵- ضَرِبْتَا	دو زن زده شدند	۱۲- ضَرِبْتُنَّ	شما زنان زده شدید
۶- ضَرِبْنَ	زنان زده شدند	۱۳- ضَرِبْتُ	زده شدم
۷- ضَرِبَتْ	تو یک مرد زده شدی	۱۴- ضَرِبْنَا	زده شدیم

پرسش و تمرین

- ۱- فعل ماضی دارای چند صیغه می باشد؟
- ۲- صیغه های شماره ۳، ۶، ۹، ۲ را بنویسید و ترجمه کنید.
- ۳- فعل مضارع چند صیغه دارد؟
- ۴- واحد متکلم مؤنث و مذکر چه فرقی با هم دارند؟
- ۵- شماره صیغه های زیر را نوشته نوع فعل را مشخص نمایید:
ضَرَبْتُ ضَرَبُوا ضَرَبْتَ ضَرَبْتِ
- ۶- صیغه شماره های زیر را نوشته ترجمه کنید:
- ۷- ۱۴- ۲- ۱۱-

- ۷- فعل معلوم را تعریف نمایید.
- ۸- فعل مجهول را تعریف نمایید.
- ۹- فعل مجهول چگونه ساخته می شود؟
- ۱۰- از صیغه های زیر معلوم و مجهول را مشخص کنید:
- دَهَبْتُ ضَرَبَ كَتَبْنَا كَتَبُوا ضَرَبْنَا
- ۱۱- صیغه های زیر را ترجمه کنید:

- ضَرَبْتُ ضَرَبْتُمْ ضَرَبْتُ ضَرَبْتُمْ كُتِبَ
- ۱۲- شماره هر یک از صیغه های ذیل را در کنار آنها بنویسید:

۵- ۹- ۱۳- ۱- ۴- ۸-

- ضَرَبْتُ ضَرَبْتَ ضَرَبَ ضَرَبْتُمْ ضَرَبْتُمْ ضَرَبْنَا
- ۱۳- صیغه های زیر را به عربی بنویسید:

شما زنان زدید: زده شدم: دوزن زدند: زنان

زده شدند

درس سوم

فعل مثبت و منفی

فعل از جهتی به دو قسم تقسیم می شود: مثبت و منفی.

۱- فعل مثبت آنست که از آن، کردن یا شدن کاری مفهوم شود. مانند: «کَتَبَ» (آن مرد نوشت در زمان گذشته) «يَكْتُبُ» (آن مرد می نویسد در زمان حال یا آینده)

۲- فعل منفی آنست که از آن، نکردن یا نشدن کاری مفهوم شود. مانند «مَا كَتَبَ» (آن مرد ننوشت، در زمان گذشته) «لَا يَكْتُبُ» (آن مرد نمی نویسد، در زمان حال یا آینده)

فعل ماضی منفی

ماضی منفی از ماضی مثبت اینگونه ساخته می شود که حرف «مأ» نافیه در اول آن آورده می شود و این حرف، هیچگونه تغییری در لفظ فعل نمی آورد. البته در معنای فعل تغییر ایجاد می کند، یعنی: فعل مثبت را، منفی می کند.

صرف فعل ماضی منفی معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- مَاضَرَبَ	آن مرد نزد	۸- مَاضَرَبْتُمَا	شما دو مرد نزد
۲- مَاضَرَبَا	آن دو مرد نزد	۹- مَاضَرَبْتُمْ	شما مردان نزد
۳- مَاضَرَبُوا	آن مردان نزد	۱۰- مَاضَرَبْتِ	تو یک زن نزد
۴- مَاضَرَبْتُ	آن زن نزد	۱۱- مَاضَرَبْتُمَا	شما دو زن نزد
۵- مَاضَرَبْتَا	آن دو زن نزد	۱۲- مَاضَرَبْتِنِ	شما زنان نزد
۶- مَاضَرَبْنَ	آن زنان نزد	۱۳- مَاضَرَبْتُ	نزد (واحد متکلم)
۷- مَاضَرَبْتَ	تو یک مرد نزد	۱۴- مَاضَرَبْنَا	نزدیم (متکلم مع الغیر)

صرف فعل ماضی منفی مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- مَاضَرَبَ	آن یک مرد زده نشد	۸- مَاضَرَبْتُمَا	شما دو مرد زده نشدید
۲- مَاضَرَبَا	آن دو مرد زده نشدند	۹- مَاضَرَبْتُمْ	شما مردان زده نشدید
۳- مَاضَرَبُوا	آن مردان زده نشدند	۱۰- مَاضَرَبْتِ	تو یک زن زده نشدی
۴- مَاضَرَبْتُ	آن زن زده نشد	۱۱- مَاضَرَبْتُمَا	شما دو زن زده نشدید
۵- مَاضَرَبْتَا	آن دو زن زده نشدند	۱۲- مَاضَرَبْتِنِ	شما زنان زده نشدید
۶- مَاضَرَبْنَ	آن زنان زده نشدند	۱۳- مَاضَرَبْتُ	زده نشدم
۷- مَاضَرَبْتَ	تو یک مرد زده نشدی	۱۴- مَاضَرَبْنَا	زده نشدیم

پرسش و تمرین

- ۱- فعل مثبت و منفی را تعریف نمائید
- ۲- دو مثال برای فعل مثبت و دو مثال برای فعل منفی بنویسید.
- ۳- از فعل‌های زیر مثبت و منفی را مشخص نمائید.
 مَکْتَبٌ - مَکْتَبْتُ - ذَهَبُوا - کَتَبْتُ - لَا یُکْتُبُونَ - لَا یَذْهَبُ.
 نیز فعلهای ماضی را از صیغه‌های بالا مشخص کنید.
- ۴- فعل ماضی چگونه منفی می‌شود؟
- ۵- حرف نفی در ظاهر فعل چه تغییری ایجاد می‌کند؟
- ۶- حرف نفی در معنای فعل چه تغییری ایجاد می‌کند؟
- ۷- صیغه‌های واحد مؤنث مخاطب، تثنیه مذکر غائب و جمع مؤنث مخاطب معلوم و مجهول را نوشته، ترجمه کنید.
- ۸- هر یک از این شماره‌ها را در کنار صیغه مربوط به آن قرار دهید:

۱۳- ۲- ۱۱- ۴- ۷- ۱۰- ۸

مَاضَرْتُمَآ	مَاضَرَبَا	مَاضَرَبْتُ	مَاضَرَبْتُ
مَاضَرَبْتُ	مَاضَرَبْتُ	مَاضَرَبْتُ	مَاضَرَبْتُ

درس چهارم

اقسام فعل ماضی

فعل ماضی به اعتباری بر شش قسم است:

۱- ماضی مطلق: آنست که بدون هیچگونه قیدی بر زمان گذشته دلالت کند مانند: «ضَرَبَ» (یک مرد زد در زمان گذشته)

۲- ماضی قریب: آنست که بر انجام فعلی در زمان گذشته نزدیک به زمان حال، دلالت کند و هرگاه حرف «قَدْ» به اوّل ماضی مطلق بیاوریم، ماضی قریب درست می شود مانند: «قَدْ ضَرَبَ» (یک مرد زده است) «قَدْ ضَرَبْتُ» (زده ام)

۳- ماضی بعید: آنست که بر انجام فعلی در زمان گذشته دور از زمان حال، دلالت کند و هرگاه لفظ «كَانَ» را به اوّل ماضی مطلق بیاوریم، آن را بعید می سازد. مانند:

«كَانَ ضَرَبَ» (یک مرد زده بود) «كُنْتُ ضَرَبْتُ» (زده بودم)

۴- ماضی استمراری: آنست که بر صدور فعلی در زمان گذشته، بطور دوام و همیشگی دلالت کند. و هرگاه لفظ «كَانَ» را به اوّل فعل مضارع بیاوریم، «ماضی استمراری» درست می شود. مانند: «كَانَ يَذْهَبُ» (آن مرد می رفت) «كَانَ يَقْرَأُ» (آن مرد می خواند) «كُنْتُ أَكْتُبُ» (من می نوشتم)

۵- ماضی احتمالی: آنست که بر صدور فعلی در زمان گذشته بطور شک و تردید دلالت کند، و با اضافه کردن لفظ «لَعَلَّما» در اوّل ماضی مطلق، «ماضی احتمالی» درست می شود، مانند: «لَعَلَّما ذَهَبَ» (شاید آن مرد رفته باشد)، «لَعَلَّما ذَهَبْتُ» (شاید رفته باشم)

۶- ماضی تمنائی: آنست که بر آرزو و خواهش صدور فعل در زمان گذشته، دلالت کند و با اضافه کردن لفظ «لَیْتَمّا» در آغاز ماضی مطلق، «ماضی تمنائی» درست خواهد شد، مانند: «لَیْتَمّا ضَرَبَ» (کاش آن مرد می زد)، «لَیْتَمّا قَرَأْتُ» (کاش درس می خواندم).

هر یکی از اقسام فعل ماضی دارای چهارده صیغه معروف و مجهول می باشد که در نتیجه، مجموع صیغه های فعل ماضی «سیصد و سی و شش» (۳۳۶) می باشند.

پرسش و تمرین

- ۱- فعل ماضی دارای چند قسم می باشد؟
- ۲- «ماضی قریب» و «بعید» را تعریف نموده، روش درست کردن آن را بنویسید.
- ۳- «ماضی استمراری» کدام است و چگونه درست می شود؟
- ۴- «ماضی تمنائی» و «ماضی احتمالی» چه فرقی با هم دارند؟
- ۵- در فعل های زیر نوع ماضی را مشخص کنید:

كَانَ يَقْرَأُ	لَيْتَمَا كَتَبَ	كَانَ ذَهَبَ
كُنْتُ أَسْمَعُ	قَدْ ضَرَبَ	
- ۶- سه صیغه مذکر غایب «ماضی احتمالی» و سه صیغه مؤنث مخاطب «ماضی تمنائی» را نوشته ترجمه کنید.
- ۷- صیغه واحد متکلم و جمع متکلم «ماضی بعید» و «ماضی استمراری» را نوشته ترجمه کنید.
- ۸- چهارده صیغه «ماضی احتمالی» مجهول و چهارده صیغه «ماضی استمراری» معلوم را در دفترهای خود بنویسید.
- ۹- نوع صیغه های زیر را مشخص کرده ترجمه آنها را بنویسید.
 لَيْتَمَا ضُرِبْتُ - كَانَ يُضْرَبُ - لَعَلَّمَا ذَهَبْتُ - كَانَا يَقْرَأَانِ - قَدْ قَرَأْتُ
- ۱۰- نوشتن و تصریف کلیه صیغه های معروف و مجهول اقسام فعل ماضی با ترجمه آنها به طلباب عزیز توصیه می شود و اساتید محترم نیز تلاش و دقت بیشتری بعمل آورند.

درس پنجم

فعل مضارع و چگونگی ساخت آن

فعل مضارع از فعل ماضی بشرح زیر ساخته می شود:

الف - یکی از علامتهای چهارگانه مضارع را (حروف «أَتَيْن» ا - ت - ی - ن) در اول ماضی با تفصیل ذیل اضافه می کنیم: «الف» را در اول واحد متکلم «تا» را در اول هشت صیغه زیر:

- ۱- واحد مؤنث غایب ۵- جمع مذکر حاضر
 - ۲- تشنیه مؤنث غایب ۶- واحد مؤنث حاضر
 - ۳- واحد مذکر حاضر ۷- تشنیه مؤنث حاضر
 - ۴- تشنیه مذکر حاضر ۸- جمع مؤنث حاضر
- «یاء» را در اول چهار صیغه زیر:

- ۱- واحد مذکر غایب ۳- جمع مذکر غایب
 - ۲- تشنیه مذکر غایب ۴- جمع مؤنث غایب
- «ن» را در اول صیغه جمع متکلم.

ب- حرف اوّل (فاء کلمه) را ساکن می کنیم.

ج- حرف آخر (لام کلمه) را در پنج صیغه زیر ضمه می دهیم:

- ۱- واحد مذکر غایب ۲- واحد مؤنث غایب ۳- واحد مذکر حاضر
- ۴- واحد متکلم ۵- جمع متکلم.

د- در آخر هفت صیغه ذیل به جای اعراب (حرکت) نون اعرابی اضافه می‌کنیم: (۱)

- | | |
|--------------------|--------------------|
| ۱- تثنیه مذکر غایب | ۲- تثنیه مذکر حاضر |
| ۳- تثنیه مؤنث غایب | ۴- تثنیه مؤنث حاضر |
| ۵- جمع مذکر غایب | ۶- جمع مذکر حاضر |
| ۷- واحد مؤنث حاضر. | |

نون اعرابی چهار صیغه اول مکسور و سه صیغه آخر مفتوح می‌شود.

ه - صیغه‌های جمع مؤنث (غایب و حاضر) مانند فعل ماضی در آخر خود، نون تأنیث دارند. «لام کلمه» اینها ساکن می‌شود.

فعل مضارع مجهول مثبت

روش ساختن فعل مضارع مجهول چنین است که حرف اوّل مضارع معلوم را ضمه و حرف پیش از حرف آخر را که در مقابل «عین کلمه» قرار دارد، فتحه می‌دهیم. مانند:

يَضْرِبُ — يَضْرَبُ (یک مرد زده خواهد شد)

۱- نون اعرابی: نونی است که عوض اعراب رفع در آخر هفت صیغه آورده می‌شود و بهمین سبب در صورت منصوب یا مجزوم بودن فعل مضارع نون اعرابی از این هفت صیغه ساقط می‌شود.

صرف فعل مضارع معلوم مثبت

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- یَضْرِبُ	آن یک مرد می زند	۸- تَضْرِبَانِ	شما دو مرد می زنید
۲- یَضْرِبَانِ	آن دو مرد می زنند	۹- تَضْرِبُونِ	شما همه مردان می زنید
۳- یَضْرِبُونَ	آن همه مردان می زنند	۱۰- تَضْرِبِينَ	تو یک زن می زنی
۴- تَضْرِبُ	آن یک زن می زند	۱۱- تَضْرِبَانِ	شما دو زن می زنید
۵- تَضْرِبَانِ	آن دو زن می زنند	۱۲- تَضْرِبْنَ	شما همه زنان می زنید
۶- یَضْرِبْنَ	آن همه زنان می زنند	۱۳- أَضْرِبُ	می زنم (واحد متکلم)
۷- تَضْرِبُ	تو یک مرد می زنی	۱۴- نَضْرِبُ	می زنیم (جمع متکلم)

صرف فعل مضارع مجهول مثبت

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- یُضْرَبُ	آن مرد زده خواهد شد	۸- تُضْرَبَانِ	شما دو مرد زده خواهید شد
۲- یُضْرَبَانِ	آن دو مرد زده خواهند شد	۹- تُضْرَبُونَ	شما همه مردان زده خواهید شد
۳- یُضْرَبُونَ	آن مردان زده خواهند شد	۱۰- تُضْرَبِينَ	تو یک زن زده خواهی شد
۴- تُضْرَبُ	آن یک زن زده خواهد شد	۱۱- تُضْرَبَانِ	شما دو زن زده خواهید شد
۵- تُضْرَبَانِ	آن دو زن زده خواهند شد	۱۲- تُضْرَبْنَ	شما همه زنان زده خواهید شد
۶- یُضْرَبْنَ	آن همه زنان زده خواهند شد	۱۳- أَضْرَبُ	زده خواهم شد (واحد متکلم)
۷- تُضْرَبُ	تو یک مرد زده خواهی شد	۱۴- نَضْرَبُ	زده خواهیم شد (جمع متکلم)

پرسش و تمرین

- ۱- علامتهای مضارع را نام ببرید.
- ۲- «فاء کلمه» در مضارع چه حرکتی دارد؟
- ۳- «لام کلمه» در کدام کلمه‌ها مضموم می‌شود؟
- ۴- حرف «یاء» بر چند صیغه آورده می‌شود؟
- ۵- «نون اعرابی» بر چند صیغه آورده می‌شود و محل آن کجاست؟
- ۶- چهار صیغه بنویسید که در اول آنها حرف «تاء» باشد.
- ۷- در صیغه‌های زیر نون اعرابی و نون جمع مؤنث را مشخص کنید.
يَضْرِبَانِ تَضْرِبْنَ تَضْرِبُونَ تَضْرِبِينَ يَضْرِبُ
- ۸- فعل مضارع معلوم از «يَكْتُبُ» را صرف نموده در دفتر خویش با ترجمه آن بنویسید.
- ۹- فعل مضارع مجهول چگونه درست می‌شود؟
- ۱۰- کدام حرف از مضارع مجهول فتحه داده می‌شود؟
- ۱۱- صیغه‌های مؤنث مضارع مجهول را صرف نموده، با ترجمه آن در دفتر خویش بنویسید.
- ۱۲- هر یک از این شماره‌ها را در کنار فعل آن قرار دهید:
۹-۴-۲-۷-۱۳-۱۰
تَضْرِبِينَ تَضْرِبُونَ تَضْرِبُ أَضْرِبُ

يَضْرِبَانِ تَضْرِبُ

۱۳- صیغه‌های شماره‌های زیر از مضارع مجهول را بنویسید:

۸- ۱۴- ۶- ۳-

۵- ۱۱-

۱۴- نون اعرابی، نون تثنیه و نون جمع چه فرقی با یکدیگر دارند؟

درس ششم

فعل مضارع منفی

فعل مضارع به دو گونه به شرح زیر منفی می شود:

۱- حرف «لَا» نافیهِ را در اول آن بیاوریم مانند: «لَا يَكْتُبُ» (آن مرد نمی نویسد) حرف «لَا» در لفظ فعل هیچ تغییری ایجاد نمی کند فقط معنای آن را تغییر می دهد.

۲- حرف «لَنْ» تأکیدیهِ را در اول آن بیاوریم مانند: «لَنْ يَكْتُبَ» (هرگز نمی نویسد).

حرف «لَنْ» در لفظ فعل هم تغییر ایجاد می کند.

این حرف پس از آمدن بر فعل مضارع، آن را به معنای «مستقبل منفی» کرده و به شرح زیر در لفظ عمل می کند:

الف- در پنج صیغه، آخر آنها را نصب می دهد:

۱- واحد مذکر غایب ۲- واحد مؤنث غایب ۳- واحد مذکر حاضر ۴- واحد متکلم ۵- جمع متکلم.

ب- نون اعرابی را در هفت صیغه ساقط می کند:

۱- تثنیه مذکر غایب ۲- تثنیه مؤنث غایب ۳- تثنیه مذکر حاضر ۴- تثنیه مؤنث حاضر ۵- جمع مذکر غایب ۶- جمع مذکر حاضر ۷- واحد مؤنث حاضر.

در دو صیغه جمع مؤنث غایب و جمع مؤنث حاضر هیچگونه تغییری در لفظ بوجود نمی آورد. (۱)

صرف مضارع منفی معلوم با «لَا» نافیہ

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا يَضْرِبُ	آن یک مرد نخواهد زد	۸- لَا تَضْرِبَانِ	شما دو مرد نخواهید زد
۲- لَا يَضْرِبَانِ	آن دو مرد نخواهند زد	۹- لَا تَضْرِبُونَّ	شما همه مردان نخواهید زد
۳- لَا يَضْرِبُونَّ	آن همه مردان نخواهند زد	۱۰- لَا تَضْرِبِينَ	تو یک زن نخواهی زد
۴- لَا تَضْرِبُ	آن زن نخواهد زد	۱۱- لَا تَضْرِبَانِ	شما دو زن نخواهید زد
۵- لَا تَضْرِبَانِ	آن دو زن نخواهند زد	۱۲- لَا تَضْرِبْنَ	شما همه زنان نخواهید زد
۶- لَا يَضْرِبَنَّ	آن زنان نخواهند زد	۱۳- لَا أَضْرِبُ	نخواهم زد
۷- لَا تَضْرِبُ	تو یک مرد نخواهی زد	۱۴- لَا تَضْرِبُ	نخواهیم زد

۱- باید دانست که هیچ عاملی در لفظ این دو صیغه تغییری ایجاد نمی کند. زیرا که نون جمع مؤنث مبنی است چون ضمیر بارز است.

صرف مضارع منفی مجهول با «لَا» نافیہ

صیغہ	ترجمہ	صیغہ	ترجمہ
۱- لَا يُضْرَبُ	آن مرد زده نخواهد شد	۸- لَا تُضْرَبَانِ	شما دو مرد زده نخواهید شد
۲- لَا يُضْرَبَانِ	آن دو مرد زده نخواهند شد	۹- لَا تُضْرَبُونَ	شما همه مردان زده نخواهید شد
۳- لَا يُضْرَبُونَ	آن همه مردان زده نخواهند شد	۱۰- لَا تُضْرَبِينَ	تو یک زن زده نخواهی شد
۴- لَا تُضْرَبُ	آن زن زده نخواهد شد	۱۱- لَا تُضْرَبَانِ	شما دو زن زده نخواهید شد
۵- لَا تُضْرَبَانِ	آن دو زن زده نخواهند شد	۱۲- لَا تُضْرَبْنَ	شما همه زنان زده نخواهید شد
۶- لَا يُضْرَبَنَّ	آن زنان زده نخواهند شد	۱۳- لَا أُضْرَبُ	زده نخواهم شد
۷- لَا تُضْرَبُ	تو یک مرد زده نخواهی شد	۱۴- لَا نُضْرَبُ	زده نخواهیم شد

صرف فعل مستقبل معلوم منفی با «لَنْ» تاکیدیہ

صیغہ	ترجمہ	صیغہ	ترجمہ
۱- لَنْ يُضْرَبَ	آن یک مرد هرگز نخواهد زد	۸- لَنْ تُضْرَبَا	شما دو مرد هرگز نخواهید زد
۲- لَنْ يُضْرَبَا	آن دو مرد هرگز نخواهند زد	۹- لَنْ تُضْرَبُوا	شما همه مردان هرگز نخواهید زد
۳- لَنْ يُضْرَبُوا	آن همه مردان هرگز نخواهند زد	۱۰- لَنْ تُضْرَبِي	تو یک زن هرگز نخواهی زد
۴- لَنْ تُضْرَبَ	آن یک زن هرگز نخواهد زد	۱۱- لَنْ تُضْرَبَا	شما دو زن هرگز نخواهید زد

۵- لَنْ تُضْرِبَا	آن دوزن هرگز نخواهند زد	۱۲- لَنْ تُضْرِبَنَّ شما همه زنان هرگز نخواهید زد
۶- لَنْ يُضْرِبَنَّ	آن همه زنان هرگز نخواهند زد	۱۳- لَنْ أُضْرِبَ هرگز نخواهم زد
۷- لَنْ تُضْرِبَ	تو یک مرد هرگز نخواهی زد	۱۴- لَنْ تُضْرِبَ هرگز نخواهیم زد

صرف فعل مستقبل مجهول منفی با «لن» تاکیدیه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَنْ يُضْرَبَ	آن یک مرد هرگز زده نخواهد شد	۸- لَنْ تُضْرَبَا	شما دو مرد هرگز زده نخواهید شد
۲- لَنْ يُضْرَبَا	آن دو مرد هرگز زده نخواهند شد	۹- لَنْ تُضْرَبُوا	شما همه مردان هرگز زده نخواهید شد
۳- لَنْ يُضْرَبُوا	آن همه مردان هرگز زده نخواهند شد	۱۰- لَنْ تُضْرَبِي	تو یک زن هرگز زده نخواهی شد
۴- لَنْ تُضْرَبَ	آن یک زن هرگز زده نخواهد شد	۱۱- لَنْ تُضْرَبَا	شما دو زن هرگز زده نخواهید شد
۵- لَنْ تُضْرَبَا	آن دوزن هرگز زده نخواهند شد	۱۲- لَنْ تُضْرِبَنَّ	شما همه زنان هرگز زده نخواهید شد
۶- لَنْ يُضْرِبَنَّ	آن همه زنان هرگز زده نخواهند شد	۱۳- لَنْ أُضْرَبَ	هرگز زده نخواهم شد
۷- لَنْ تُضْرَبَ	تو یک مرد هرگز زده نخواهی شد	۱۴- لَنْ تُضْرَبَ	هرگز زده نخواهیم شد

پرسش و تمرین

- ۱- فعل مضارع «مثبت» و «منفی» را تعریف کنید.
 - ۲- فعل مضارع مثبت چگونه منفی می شود؟
 - ۳- آیا حرف «لَا» در لفظ فعل هم تغییر ایجاد می کند؟
 - ۴- سه صیغه فعل مضارع مثبت نوشته آنها را منفی و ترجمه کنید.
 - ۵- فعل مضارع معلوم و مجهول منفی را با ترجمه در دفتر خویش بنویسید.
 - ۶- حرف «لَنْ» چه تغییری در معنای فعل مضارع بوجود می آورد؟
 - ۷- «لَنْ» در لفظ فعل مضارع تغییر ایجاد می کند یا خیر؟
 - ۸- بوسیله «لَنْ» نون اعرابی چند صیغه ساقط می شود؟
شماره های آنها را بنویسید.
 - ۹- حرف «لَنْ» در کدام صیغه ها عمل لفظی نمی کند؟
 - ۱۰- سه صیغه که «لَنْ» آنها را نصب داده و چهار صیغه که نون اعرابی آنها ساقط شده، بنویسید.
 - ۱۱- از کلمات زیر صیغه هایی را که «لَنْ» هیچگونه عمل لفظی در آنها نکرده، مشخص نمایید.
لَنْ يَكْتُبَا - لَنْ يَكْتُبَنَّ - لَنْ يَكْتُبُوا - لَنْ تَكْتُبَا - لَنْ تَكْتُبَنَّ
 - ۱۲- صیغه های شماره های ذیل را با ترجمه آنها بنویسید.
- | | | |
|----|-----|-----|
| ۳- | ۷- | ۱۲- |
| ۹- | ۱۳- | ۴- |
- ۱۳- فعل مضارع منفی معلوم مؤکد با «لَنْ» از «يَنْصُرُ» را صرف کرده و در دفتر خود بنویسید.

درس هفتم

فعل جَخَد منفی با «لَمْ» جازمه

اگر حرف «لَمْ» جازمه را بر فعل مضارع بیاوریم آن را منفی می‌کند و در اصطلاح علم صرف آن را «فعل جَخَد» می‌نامند.

حرف «لَمْ» جازمه در فعل مضارع بشرح ذیل عمل می‌کند:

۱- عمل لفظی:

الف- حرف آخر پنج صیغه را جزم می‌دهد در صورتی که حرف علت نباشد، مانند: «لَمْ يَضْرِبْ» و آن پنج صیغه عبارتند از:

- ۱- واحد مذکر غایب ۲- واحد مؤنث غایب ۳- واحد مذکر حاضر
- ۴- واحد متکلم ۵- جمع متکلم.

ب- اگر حرف آخر آن، حرف علت باشد، آن را ساقط می‌کند مانند:

لَمْ يَدْعُ، لَمْ يَزِم، لَمْ يَخْشَ. حرف علت سه تا هستند: «واو، الف، ی»

ج- نون اعرابی را از هفت صیغه ساقط می‌کند، مانند: «لَمْ يَضْرِبَا» و

آن هفت صیغه عبارتند از:

- ۱- تثنیه مذکر غایب ۲- تثنیه مؤنث غایب ۳- تثنیه مذکر حاضر
- ۴- تثنیه مؤنث حاضر ۵- جمع مذکر غایب ۶- جمع مذکر حاضر
- ۷- واحد مؤنث حاضر.

۲- عمل معنوی:

د- فعل مستقبل را از نظر معنی به ماضی منفی تبدیل می‌کند و در جمع مؤنث غایب و حاضر هیچگونه عمل لفظی نمی‌کند.

صرف فعل جحد منفی معلوم با «لَمْ» جازمه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَمْ يَضْرِبْ	آن یک مرد نزده است	۸- لَمْ تَضْرِبَا	شما دو مرد نزده‌اید
۲- لَمْ يَضْرِبَا	آن دو مرد نزده‌اند	۹- لَمْ تَضْرِبُوا	شما همه مردان نزده‌اید
۳- لَمْ يَضْرِبُوا	آن همه مردان نزده‌اند	۱۰- لَمْ تَضْرِبِي	تو یک زن نزده‌ای
۴- لَمْ تَضْرِبْ	آن یک زن نزده است	۱۱- لَمْ تَضْرِبَا	شما دو زن نزده‌اید
۵- لَمْ تَضْرِبَا	آن دو زن نزده‌اند	۱۲- لَمْ تَضْرِبْنَ	شما همه زنان نزده‌اید
۶- لَمْ يَضْرِبَنَّ	آن همه زنان نزده‌اند	۱۳- لَمْ أَضْرِبْ	نزده‌ام
۷- لَمْ تَضْرِبْ	تو یک مرد نزده‌ای	۱۴- لَمْ تَضْرِبْ	نزده‌ایم

صرف فعل جحد منفی مجهول با «لَمْ» جازمه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَمْ يُضْرَبْ	آن یک مرد زده نشده است	۸- لَمْ تُضْرَبَا	شما دو مرد زده نشده اید
۲- لَمْ يُضْرَبَا	آن دو مرد زده نشده اند	۹- لَمْ تُضْرَبُوا	شما همه مردان زده نشده اید
۳- لَمْ يُضْرَبُوا	آن همه مردان زده نشده اند	۱۰- لَمْ تُضْرَبِي	تو یک زن زده نشده ای
۴- لَمْ تُضْرَبْ	آن یک زن زده نشده است	۱۱- لَمْ تُضْرَبَا	شما دو زن زده نشده اید
۵- لَمْ تُضْرَبَا	آن دو زن زده نشده اند	۱۲- لَمْ تُضْرَبْنَ	شما همه زنان زده نشده اید
۶- لَمْ يُضْرَبْنَ	آن همه زنان زده نشده اند	۱۳- لَمْ أُضْرَبْ	زده نشده ام
۷- لَمْ تُضْرَبْ	تو یک مرد زده نشده ای	۱۴- لَمْ تُضْرَبْ	زده نشده ایم

پرسش و تمرین

- ۱- فعل مضارعى را که با «لَمْ» نفى شده چه مى نامند؟
- ۲- «لَمْ» جازمه در فعل مضارع چه عملى انجام مى دهد؟
- ۳- فعل مضارع بوسيله «لَمْ» به کدام فعل منفى تبديل مى شود؟
- ۴- اگر در آخر صيغه هاى فعل مضارع، حرف علت باشد، «لَمْ» چه عملى در آنها انجام مى دهد؟
- ۵- چهار صيغه بنويسيد که «لَمْ» هيچگونه عملى در آنها نکرده.
- ۶- چهار صيغه بنويسيد که «لَمْ» نون اعرابى آنها را ساقط کرده است.
- ۷- فعل جَعَدَ معلوم را صرف نموده با ترجمه در دفتر خویش بنويسيد.

۸- «لَمْ» در صيغه هاى زير چه عملى انجام داده:

لَمْ تَضْرِبْ	لَمْ يَدْعُوا	لَمْ تَضْرِبْ
لَمْ يُضْرَبْ	لَمْ تُضْرَبْ	لَمْ أَخْشَ

درس هشتم

فعل مستقبل مؤکد با لام و نون تأکید

اگر بخواهیم فعل مستقبلی را تأکید کنیم، در اوّل آن، «لام مفتوحه» و در آخر آن، حرف «نون» می آوریم، و آن دورا، «لام تأکید» و «نون تأکید» می نامند.

نون تأکید بر دو قسم است:

- ۱- **نون ثقیله:** به نون مشدّدی گفته می شود که در واقع، دو نون هستند که در یکدیگر ادغام شده اند مانند: «لَيَضْرِبَنَّ» ← «لَيَضْرِبَنَّ»
- ۲- **نون خفیفه:** به نون ساکنی گفته می شود که در آخر فعل مستقبل می آید مانند: «لَيَضْرِبَنَّ»

در صورت وجود «نون تأکید ثقیله» در فعل مضارع، تغییرات ذیل در آن پیدا می شود:

الف - نون تأکید ثقیله در آخر هر چهارده صیغه می آید و حرف پیش از آن در این پنج محل مفتوح می شود:

- ۱- واحد مذکر غایب ۲- واحد مؤنث غایب ۳- واحد مذکر حاضر ۴- واحد متکلم ۵- جمع متکلم
- ب- معنای آن را مؤکد و محکم می کند.

ج- در این شش صیغه پیش از «نون ثقیله»، الف می آید: ۱- تشنیه

مذکر غایب ۲- تثنیه مؤنث غایب ۳- تثنیه مذکر حاضر ۴- تثنیه مؤنث حاضر ۵- جمع مؤنث غایب ۶- جمع مؤنث حاضر

د- در دو صیغه جمع مذکر حاضر و جمع مذکر غایب، «واو» جمع حذف می شود و ماقبل واو همچنان مضموم می ماند تا بر حذف واو دلالت کند. مانند:

«لَيَضْرِبَنَّ»، «لَتَضْرِبَنَّ» و در صیغه واحد مؤنث مخاطب، «یاء» حذف می شود و ماقبل آن مکسور می ماند تا بر حذف یاء دلالت نماید.

ه- «نون ثقیله» در شش صیغه مکسور می شود و آنها صیغه هایی هستند که پیش از نون، «الف» می آید.

و در هشت صیغه دیگر، مفتوح می شود.

و- «نون خفیفه» بر شش صیغه ای که پیش از نون، الف می آید، وارد نمی شود. زیرا که در اینصورت «اجتماع ساکنین» می شود (و آن ممنوع است) و بر بقیه صیغه ها وارد می شود.

همچنین «نون اعرابی» با «نون تأکید» جمع نمی شود.

صرف فعل مستقبل معلوم مؤکد با لام و نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَيَضْرِبَنَّ	باید حتماً یک مرد بزند	۸- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً شما دو مرد بزنید
۲- لَيَضْرِبَنَّ	باید حتماً دو مرد بزنند	۹- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً شما مردان بزنید
۳- لَيَضْرِبَنَّ	باید حتماً همه مردان بزنند	۱۰- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً تو یک زن بزنی
۴- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً یک زن بزند	۱۱- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً شما دو زن بزنید
۵- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً دو زن بزنند	۱۲- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً شما همه زنان بزنید
۶- لَيَضْرِبَنَّ	باید حتماً همه زنان بزنند	۱۳- لَأَضْرِبَنَّ	باید حتماً بزنم
۷- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً تو یک مرد بزنی	۱۴- لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً بزنیم

صرف فعل مستقبل مجهول مؤکد بالام و نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک مرد زده شود	۸- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً شما دو مرد زده شوید
۲- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن دو مرد زده شوند	۹- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً شما مردان زده شوید
۳- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً همه آن مردان زده شوند	۱۰- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً تو یک زن زده شوی
۴- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک زن زده شود	۱۱- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً شما دو زن زده شوید
۵- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن دو زن زده شوند	۱۲- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً شما همه زنان زده شوید
۶- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن همه زنان زده شوند	۱۳- لَأُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شوم
۷- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً تو یک مرد زده شوی	۱۴- لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شویم

صرف فعل مستقبل معلوم مؤکد با لام و نون تأکید خفیفه

ترجمه	صیغه
باید البته آن یک مرد بزند	۱- لَيَضْرِبَنَّ
باید البته آن همه مردان بزنند	۲- لَيَضْرِبُنَّ
باید البته آن یک زن بزند	۳- لَتَضْرِبَنَّ
باید البته تو یک مرد بزنی	۴- لَتَضْرِبَنَّ
باید البته شما همه مردان بزنید	۵- لَتَضْرِبُنَّ
باید البته تو یک زن بزنی	۶- لَتَضْرِبَنَّ
باید البته بزنم	۷- لَأَضْرِبَنَّ
باید البته بزنیم	۸- لَنَضْرِبَنَّ

صرف فعل مستقبل مجهول مؤکد با لام و نون تأکید خفیفه

ترجمه	صیغه
باید البته آن یک مرد زده شود	۱- لَيُضْرَبَنَّ
باید البته آن همه مردان زده شوند	۲- لَيُضْرَبُنَّ
باید البته آن یک زن زده شود	۳- لَتُضْرَبَنَّ
باید البته تو یک مرد زده شوی	۴- لَتُضْرَبَنَّ
باید البته شما همه مردان زده شوید	۵- لَتُضْرَبُنَّ
باید البته تو یک زن زده شوی	۶- لَتُضْرَبَنَّ
باید البته زده شوم	۷- لَأُضْرَبَنَّ
باید البته زده شویم	۸- لَنُضْرَبَنَّ

پرسش و تمرین

- ۱- فعل مستقبل چگونه مؤکد می شود؟
- ۲- نون تأکید خفیفه و ثقیله چه فرقی با هم دارند؟
- ۳- سه مورد از عمل «نون تأکید ثقیله» را در فعل مستقبل بگوئید.
- ۴- نون خفیفه بر چند صیغه وارد نمی شود؟
- ۵- نون اعرابی با کدام نون جمع نمی شود؟
- ۶- نون تأکید و نون اعرابی چه فرقی با هم دارند؟
- ۷- سه صیغه بنویسید که نون ثقیله در آنها مکسور باشد.
- ۸- چهار صیغه را نخست با نون ثقیله و سپس با نون خفیفه تأکید نمائید.
- ۹- صیغه هائی را که حرف ماقبل نون ثقیله مفتوح می شود بنویسید.
- ۱۰- «نون» هائی که تا حال خوانده اید نام برده فرق آنان را توضیح دهید.

درس نهم

روش ساختن فعل امر

فعل امر از فعل مضارع ساخته می شود، هر صیغه امر از همان صیغه مضارع. مثلاً؛ غایب از غایب، مخاطب از مخاطب، متکلم از متکلم، معلوم از معلوم و مجهول از مجهول ساخته می شود.

روش ساخت امر حاضر معلوم بشرح زیر است:

۱- علامت مضارع را حذف می کنیم.

۲- اگر حرف بعد از علامت مضارع متحرک بماند، آخر واحد مذکر را ساکن و از بقیه، نون اعرابی را حذف می کنیم.

مانند: از «تَعِدُ» — عِدْ — عِدْ

و از «تَعِدَانِ» — عِدَانِ — عِدَا

۳- حرف آخر را در صورتی ساکن می کنیم که حرف عِلّت نباشد اگر حرف عِلّت باشد، آن را حذف می کنیم مانند:

از «تَقِيْ» — قِيْ — قِ.

۴- اگر حرف بعد از علامت مضارع ساکن باشد، در اوّل آن، همزه وصل اضافه می کنیم. با این تفصیل که چنانچه «عين الفعل» مضارع مفتوح یا مكسور باشد، همزه وصل را كسره می دهیم و چنانچه مضموم

باشد، همزه را ضمه می دهیم مانند:

- فتحة عین: از «تَفْتَحُ» ← فُتِحَ ← اِفْتَحَ

- کسره عین: از «تَضْرِبُ» ← ضَرِبَ ← اِضْرِبْ

- ضمه عین: از «تَنْصُرُ» ← نُصِرَ ← اُنْصُرْ

در این قانون هم، سکون حرف آخر امر، مشروط به نبودن حرف عِلّت است و اگر حرف عِلّت باشد، حذف می شود مانند:

- فتحة عین با حذف حرف عِلّت: از تَخْشِيْ ← خُشَ ← اِخْشَ

- کسره عین با حذف حرف عِلّت: از تَرْمِيْ ← رِمَ ← اِرِمَ

- ضمه عین با حذف حرف عِلّت: از تَدْعُوْ ← دُعَ ← اُدْعُ

روش ساختن امر حاضر مجهول و غایب معلوم و مجهول

۱- در اول هر صیغه «لام امر مکسور» اضافه می کنیم.

۲- صیغه هایی که نون اعرابی داشته باشند، آن را حذف می کنیم و صیغه هایی که نون اعرابی ندارند، حرف آخر آنها را ساکن می کنیم. بشرط اینکه حرف آخر، حرف عِلّت نباشد. و اگر حرف عِلّت باشد، آن را حذف می کنیم مانند: لِيَدْعُوْ ← لِيَذْعُوْ لِيَرْمِ ← لِيَرْمِيْ.

تذکر ۱- نون های تأکید (ثقیله و خفیفه) همانند مضارع در فعل امر، نیز بکار گرفته می شوند.

تذکر ۲- دو صیغه متکلم، معمولاً در امر غایب بکار گرفته می شوند در امر حاضر از آنها استفاده نمی شود.

صرف امر حاضر معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- اِضْرِبْ	تو یک مرد بزن	۴- اِضْرِبْیْ	تو یک زن بزن
۲- اِضْرِبَا	شما دو مرد بزنید	۵- اِضْرِبَا	شما دو زن بزنید
۳- اِضْرِبُوا	شما مردان بزنید	۶- اِضْرِبْنَ	شما زنان بزنید

صرف امر حاضر مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَتَضْرَبْ	تو یک مرد باید زده شوی	۴- لَتَضْرَبِیْ	تو یک زن باید زده شوی
۲- لَتَضْرَبَا	شما دو مرد باید زده شوید	۵- لَتَضْرَبَا	شما دو زن باید زده شوید
۳- لَتَضْرَبُوا	شما مردان باید زده شوید	۶- لَتَضْرَبْنَ	شما زنان باید زده شوید

صرف امر غایب معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لِيُضْرَبْ	باید یک مرد بزند	۵- لِيُضْرَبَا	باید دو زن بزنند
۲- لِيُضْرَبَا	باید دو مرد بزنند	۶- لِيُضْرَبْنَ	باید همه زنان بزنند
۳- لِيُضْرَبُوا	باید همه مردان بزنند	۷- لِأُضْرَبْ	باید بزنم
۴- لِيُضْرَبْ	باید یک زن بزند	۸- لِيُضْرَبْ	باید بزنی

صرف امر غایب مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لِيُضْرَبْ	باید یک مرد زده شود	۵- لِيُضْرَبَا	باید دو زن زده شوند
۲- لِيُضْرَبَا	باید دو مرد زده شوند	۶- لِيُضْرَبْنَ	باید همه زنان زده شوند
۳- لِيُضْرَبُوا	باید همه مردان زده شوند	۷- لِأُضْرَبْ	باید زده شوم
۴- لِيُضْرَبْ	باید یک زن زده شود	۸- لِيُضْرَبْ	باید زده شویم

صرف امر حاضر معلوم با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- اِضْرِبَنَّ	حتماً تو یک مرد بزنی	۴- اِضْرِبَنَّ	حتماً تو یک زن بزنی
۲- اِضْرِبَانَّ	حتماً شما دو مرد بزنید	۵- اِضْرِبَانَّ	حتماً شما دو زن بزنید
۳- اِضْرِبُنَّ	حتماً شما مردان بزنید	۶- اِضْرِبُنَّ	حتماً شما زنان بزنید

صرف امر حاضر مجهول با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَتُضْرَبَنَّ	باید حتماً تو یک مرد زده شوی	۴- لَتُضْرَبَنَّ	باید حتماً تو یک زن زده شوی
۲- لَتُضْرَبَانَّ	باید حتماً شما دو مرد زده شوید	۵- لَتُضْرَبَانَّ	باید حتماً شما دو زن زده شوید
۳- لَتُضْرَبُنَّ	باید حتماً شما مردان زده شوید	۶- لَتُضْرَبُنَّ	باید حتماً شما زنان زده شوید

صرف امر غایب معلوم با نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لِيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک مرد بزند	۵- لِيُضْرَبَانَّ	باید حتماً آن دوزن بزنند
۲- لِيُضْرَبَانَّ	باید حتماً آن دو مرد بزنند	۶- لِيُضْرَبْنَانَّ	باید حتماً آن همه زنان بزنند
۳- لِيُضْرَبُنَّ	باید حتماً آن همه مردان بزنند	۷- لِأُضْرَبَنَّ	باید حتماً بزنم
۴- لِيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک زن بزند	۸- لِيُضْرَبَنَّ	باید حتماً بزنیم

صرف امر غایب مجهول با نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لِيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک مرد زده شود	۵- لِيُضْرَبَانَّ	باید حتماً آن دوزن زده شوند
۲- لِيُضْرَبَانَّ	باید حتماً آن دو مرد زده شوند	۶- لِيُضْرَبْنَانَّ	باید حتماً آن همه زنان زده شوند
۳- لِيُضْرَبُنَّ	باید حتماً آن همه مردان زده شوند	۷- لِأُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شوم
۴- لِيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک زن زده شود	۸- لِيُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شویم

صرف امر حاضر معلوم و مجهول با نون خفیفه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- اِضْرِبْ	حتماً تو یک مرد بزنی	۴- لِئْضَرْبِ	البته باید تو یک مرد زده شوی
۲- اِضْرِبِ	حتماً شما همه مردان بزنید	۵- لِئْضَرْبِ	البته باید شما همه مردان زده شوید
۳- اِضْرِبِ	حتماً تو یک زن بزنی	۶- لِئْضَرْبِ	البته باید تو یک زن زده شوی

صرف امر غایب معلوم با نون خفیفه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لِئْضَرْبِ	باید حتماً آن یک مرد بزند	۴- لِئْضَرْبِ	باید حتماً بزنم
۲- لِئْضَرْبِ	باید حتماً آن همه مردان بزنند	۵- لِئْضَرْبِ	باید حتماً بزنیم
۳- لِئْضَرْبِ	باید حتماً آن یک زن بزند		

صرف امر غایب مجهول با نون خفیفه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لِئْضَرْبِ	باید حتماً آن یک مرد زده شود	۴- لِئْضَرْبِ	باید حتماً زده شوم
۲- لِئْضَرْبِ	باید حتماً آن همه مردان زده شوند	۵- لِئْضَرْبِ	باید حتماً زده شویم
۳- لِئْضَرْبِ	باید حتماً آن یک زن زده شود		

پرسش و تمرین

- ۱- روش ساخت امر حاضر را شرح دهید.
- ۲- اگر عین فعل مضارع مضموم باشد به همزه وصل امر چه حرکتی داده می شود؟
- ۳- روش ساخت امر حاضر مجهول و غایب معلوم و مجهول را شرح دهید.
- ۴- در چه صورتی در اوّل مضارع همزه وصل مکسور می آوریم؟
- ۵- امر حاضر را از «تَسْمَعُ» بنا کنید.
- ۶- نوع امر و صیغه را در فعل های زیر مشخص کنید:
 أَنْصُرِي - أَنْصُرْنَ - لِيُنْصُرَانِ - لِيُنْصُرُوا - لِيُنْصُرَنَّ - لِيُنْصُرْنَ.
- ۷- امر حاضر معلوم را با نون ثقیله صرف نمائید.
- ۸- تمام انواع فعل امر را در دفتر خویش نوشته و ترجمه کنید.
- ۹- «لام امر» و «لام تأکید» چه فرقی با هم دارند؟ توضیح دهید.

درس دهم

روش ساخت فعل نهی

فعل نهی از فعل مضارع ساخته می شود بدین طریق که «لای» نهی در اول فعل مضارع می آوریم و آن را نهی می سازیم. «لای» نهی بشرح زیر در فعل مضارع عمل می کند:

الف - آخر پنج صیغه را مانند «لَمْ» جازمه مجزوم می سازد. و اگر حرف آخر آن، حرف علّت باشد، آن را ساقط می کند.

ب - نون اعرابی را در هفت صیغه ساقط می کند و در دو صیغه جمع مؤنث حاضر و جمع مؤنث غایب هیچ عمل لفظی نمی کند.

نون تأکید همانگونه که در آخر فعل مضارع می آید در آخر فعل نهی هم می آید.

صرف فعل نهی مخاطب معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا تُضْرِبْ	تو یک مرد نزن	۴- لَا تُضْرِبِي	تو یک زن نزن
۲- لَا تُضْرِبَا	شما دو مرد نزنید	۵- لَا تُضْرِبَا	شما دو زن نزنید
۳- لَا تُضْرِبُوا	شما همه مردان نزنید	۶- لَا تُضْرِبْنَ	شما همه زنان نزنید

صرف فعل نهی مخاطب مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا تُضْرَبْ	تو یک مرد زده نشو	۴- لَا تُضْرَبِي	تو یک زن زده نشو
۲- لَا تُضْرَبَا	شما دو مرد زده نشوید	۵- لَا تُضْرَبَا	شما دو زن زده نشوید
۳- لَا تُضْرَبُوا	شما همه مردان زده نشوید	۶- لَا تُضْرَبْنَ	شما همه زنان زده نشوید

صرف فعل نهی غایب معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا يَضْرِبُ	باید آن یک مرد نزنند	۵- لَا تَضْرِبَا	باید آن دو زن نزنند
۲- لَا يَضْرِبَا	باید آن دو مرد نزنند	۶- لَا يَضْرِبْنَ	باید آن همه زنان نزنند
۳- لَا يَضْرِبُوا	باید آن همه مردان نزنند	۷- لَا أَضْرِبُ	باید نزنم
۴- لَا تَضْرِبُ	باید آن یک زن نزنند	۸- لَا تَضْرِبُ	باید نزنیم

صرف فعل نهی غایب مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا يَضْرِبُ	باید آن یک مرد زده نشود	۵- لَا تَضْرِبَا	باید آن دو زن زده نشوند
۲- لَا يَضْرِبَا	باید آن دو مرد زده نشوند	۶- لَا يَضْرِبْنَ	باید آن همه زنان زده نشوند
۳- لَا يَضْرِبُوا	باید آن همه مردان زده نشوند	۷- لَا أَضْرِبُ	باید زده نشوم
۴- لَا تَضْرِبُ	باید آن یک زن زده نشود	۸- لَا تَضْرِبُ	باید زده نشویم

صرف فعل نهی غایب معلوم مؤکد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا تُضْرِبَنَّ	باید تو یک مرد نزن	۴- لَا تُضْرِبَنَّ	باید تو یک زن نزن
۲- لَا تُضْرِبَانِ	باید شما دو مرد نزنید	۵- لَا تُضْرِبَانِ	باید شما دو زن نزنید
۳- لَا تُضْرِبُنَّ	باید شما همه مردان نزنید	۶- لَا تُضْرِبُنَّ	باید شما همه زنان نزنید

صرف فعل نهی مخاطب مجهول مؤکد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا تُضْرِبَنَّ	باید تو یک مرد زده نشوی	۴- لَا تُضْرِبَنَّ	باید تو یک زن زده نشوی
۲- لَا تُضْرِبَانِ	باید شما دو مرد زده نشوید	۵- لَا تُضْرِبَانِ	باید شما دو زن زده نشوید
۳- لَا تُضْرِبُنَّ	باید شما همه مردان زده نشوید	۶- لَا تُضْرِبُنَّ	باید شما همه زنان زده نشوید

صرف فعل نهی غایب معلوم مؤکد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا يُضْرَبَنَّ	باید البته آن یک مرد نزنند	۵- لَا تُضْرَبَانِ	باید البته دوزن نزنند
۲- لَا يُضْرَبَانِ	باید البته دو مرد نزنند	۶- لَا يُضْرَبَنَّ	باید البته زنان نزنند
۳- لَا يُضْرَبَنَّ	باید البته مردان نزنند	۷- لَا أُضْرَبَنَّ	باید البته نزنم
۴- لَا تُضْرَبَنَّ	باید البته یک زن نزنند	۸- لَا تُضْرَبَنَّ	باید البته نزنیم

صرف فعل نهی غایب مجهول مؤکد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَا يُضْرَبَنَّ	باید البته یک مرد زده نشود	۵- لَا تُضْرَبَانِ	باید البته دوزن زده نشوند
۲- لَا يُضْرَبَانِ	باید البته دو مرد زده نشوند	۶- لَا يُضْرَبَنَّ	باید البته زنان زده نشوند
۳- لَا يُضْرَبَنَّ	باید البته مردان زده نشوند	۷- لَا أُضْرَبَنَّ	باید البته زده نشوم
۴- لَا تُضْرَبَنَّ	باید البته یک زن زده نشود	۸- لَا تُضْرَبَنَّ	باید البته زده نشویم

صرف فعل نهی مخاطب معلوم مؤکد با نون خفیفه

ترجمه	صیغه
باید البته تو یک مرد نرنی	۱- لَا تُضْرِبَنَّ
باید البته شما مردان نزنید	۲- لَا تُضْرِبُنَّ
باید البته تو یک زن نرنی	۳- لَا تُضْرِبِيَنَّ

صرف فعل نهی مخاطب مجهول مؤکد با نون خفیفه

ترجمه	صیغه
باید البته تو یک مرد زده نشوی	۱- لَا تُضْرَبَنَّ
باید البته شما مردان زده نشوید	۲- لَا تُضْرَبُنَّ
باید البته تو یک زن زده نشوی	۳- لَا تُضْرَبِيَنَّ

صرف فعل نهی، غایب معلوم مؤکد با نون خفیفه

ترجمه	صیغه
باید البته یک مرد نزنند	۱- لَا يَضْرِبَنَّ
باید البته مردان نزنند	۲- لَا يَضْرِبُنَّ
باید البته یک زن نزنند	۳- لَا تَضْرِبَنَّ
باید البته نزنم	۴- لَا أَضْرِبَنَّ
باید البته نزنیم	۵- لَا نَضْرِبَنَّ

صرف فعل نهی غایب مجهول مؤکد با نون خفیفه

ترجمه	صیغه
باید البته یک مرد زده نشود	۱- لَا يَضْرَبَنَّ
باید البته مردان زده نشوند	۲- لَا يَضْرِبُنَّ
باید البته یک زن زده نشود	۳- لَا تَضْرِبَنَّ
باید البته زده نشوم	۴- لَا أَضْرَبَنَّ
باید البته زده نشویم	۵- لَا نَضْرَبَنَّ

پرسش و تمرین

- ۱- روش ساخت فعل نهی غایب را شرح دهید.
- ۲- «لای» نهی در فعل مضارع چه تغییری انجام می دهد؟
- ۳- آیا نون تأکید در آخر فعل نهی هم می آید؟
- ۴- از «تَنْصُرُ» فعل نهی مخاطب بسازید.
- ۵- در صیغه های زیر نوع نهی و نوع صیغه را مشخص سازید:
لَا تَنْصُرُ - لَا أَنْصُرُ - لَا تَنْصُرَنَّ - لَا يَنْصُرَنَّ - لَا تَنْصُرَنَّ
- ۶- فعل نهی غایب معلوم با نون ثقیله را صرف نمائید.
- ۷- همه انواع فعل نهی را حفظ نموده، با ترجمه در دفتر تمرین خویش بنویسید.
- ۸- «لای نهی» و «لای نفی» چه فرقی با هم دارند؟ توضیح دهید.

درس یازدهم

روش ساخت اسم فاعل و اسم مفعول از «ثلاثی مجرد»^(۱)

تعریف اسم فاعل: اسم فاعل به اسمی گفته می شود که برکننده کار یا دارنده حالتی دلالت کند مانند: ضارب (زننده)، کریم (بزرگوار).

اسم فاعل از فعل مضارع معلوم با قوانین زیر ساخته می شود:

۱- علامت مضارع را حذف می کنیم.

۲- فاء الفعل را فتحه می دهیم.

۳- بین فاء الفعل و عین الفعل، الف (که علامت فاعل است) اضافه می نمائیم.

۴- لام الفعل را تنوین (که علامت اسم است) می دهیم.

مانند: یضرب ← ضارب

صرف اسم فاعل

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- ضارب	یک مرد زننده	۴- ضارِبَةٌ	یک زن زننده
۲- ضاربَانِ	دو مرد زننده	۵- ضاربَتَانِ	دو زن زننده
۳- ضاربُونَ	مردان زننده	۶- ضاربَاتُ	زنان زننده

۱- ثلاثی مجرد به کلماتی گفته می شود که فقط سه تا حرف اصلی داشته باشد و بس.

تعریف اسم مفعول: اسم مفعول اسمی است که بر کسی یا چیزی که فعل بر او واقع می شود، دلالت کند، مانند: **مَضْرُوبٌ** (یک مرد زده شده) **مَنْصُورٌ** (یک مرد یاری شده)

اسم مفعول از فعل مضارع مجهول با قوانین زیر ساخته می شود:

- ۱- علامت مضارع را حذف می کنیم.
- ۲- میم مفتوح را به جای علامت مضارع اضافه می کنیم.
- ۳- عین الفعل را ضمه می دهیم.
- ۴- بین عین الفعل و لام الفعل، واو ساکنی اضافه می کنیم.
- ۵- لام الفعل را تنوین می دهیم. مانند: **يَضْرِبُ** ← **مَضْرُوبٌ**

صرف اسم مفعول

صیغه	ترجمه
۱- مَضْرُوبٌ	یک مرد زده شده
۲- مَضْرُوبَانِ	دو مرد زده شده
۳- مَضْرُوبُونَ	مردان زده شده
۴- مَضْرُوبَةٌ	یک زن زده شده
۵- مَضْرُوبَتَانِ	دو زن زده شده
۶- مَضْرُوبَاتٌ	زنان زده شده

پرسش و تمرین

- ۱- اسم فاعل از چه فعلی ساخته می شود؟
 - ۲- چگونگی ساخت اسم فاعل را شرح دهید.
 - ۳- نحوه ساختن اسم مفعول را شرح دهید.
 - ۴- اسم فاعل و اسم مفعول را صرف نموده، حفظ نمایید.
 - ۵- دو صیغه اسم فاعل مؤنث و دو صیغه اسم مفعول مؤنث بنویسید.
 - ۶- معنی صیغه های زیر را بنویسید.
- | | | |
|--------------|-----------|--------------|
| ضَارِبَانِ | ضَارِبَةٌ | مَضْرُوبُونَ |
| مَضْرُوبَاتُ | مَضْرُوبٌ | |
- ۷- از يَنْصُرُ و يُنْصَرُ اسم فاعل و اسم مفعول بسازید و تمام صیغه های آنها را با ترجمه بنویسید.

درس دوازدهم

اسم ظرف زمان، مکان و اسم آله

ظرف زمان و مکان به اسمی گفته می شود که بر زمان وقوع فعل یا محل وقوع فعل دلالت نماید و آنرا از فعل مضارع بشرح ذیل می سازند:

۱- علامت مضارع را حذف می کنیم.

۲- بجای آن، میم مفتوح اضافه می نمائیم.

۳- اگر عین الفعل مضموم باشد آنرا فتحه می دهیم وگرنه بحال خود

می گذاریم.

۴- لام الفعل صیغه واحد را تنوین می دهیم.

صرف اسم ظرف

ترجمه	صیغه
یک جای یا یک زمان زدن	۱- مَضْرَبٌ
دو جای یا دو زمان زدن	۲- مَضْرَبَانِ
جاها یا زمانهای زدن	۳- مَضَارِبُ

اسم آله: اسمی است که بر واسطه و ابزار فعل و عملی دلالت کند و

از فعل مضارع به شرح زیر ساخته می شود:

۱- علامت مضارع را حذف می کنیم.

۲- بجای آن، میم مکسور می آوریم.

۳- در صورتیکه عین الکلمه مفتوح نباشد، آنرا فتحه می دهیم.

۴- روی لام الفعل تنوین می آوریم و اگر بعد از عین الفعل، الف آورده شود، یا بعد از لام الفعل حرف تا اضافه شود، دو صیغه دیگر اسم آله که غالباً مطابق قیاس است به دست می آید.

صرف اسم آله

ترجمه	صیغه
یک آله زدن	۱- مِضْرَبٌ
یک آله زدن	۲- مِضْرَبَةٌ
دو آله زدن	۳- مِضْرَبَانِ
دو آله زدن	۴- مِضْرَبَتَانِ
آله های زدن	۵- مِضْرَابٌ
یک آله زدن	۶- مِضْرَابٌ
دو آله زدن	۷- مِضْرَابَانِ
آله های زدن	۸- مِضْرَابٌ

پرسش و تمرین

- ۱- روش ساخت اسم ظرف زمان و مکان را شرح دهید.
- ۲- اسم آله چگونه ساخته می شود؟
- ۳- اسم ظرف دارای چند صیغه می باشد؟
- ۴- اسم آله چند صیغه دارد؟ توضیح دهید.
- ۵- اسم ظرف زمان و مکان و اسم آله را صرف نموده، در دفتر تمرین خویش با ترجمه بنویسید.
- ۶- از صیغه های زیر ظرف زمان و مکان و اسم آله را مشخص سازید:
مَحْضَرٌ - مَرْوَحَةٌ - مِفْتَاحٌ - مَطْبَخٌ - مَبْرَدٌ - مَقْصَدٌ - مَقَاصِدُ.
- ۷- از يَكْتُبُ اسم آله بسازید و تمام صیغه های آن را با ترجمه بنویسید.

درس سیزدهم

اسم تفضیل: اسمی است که برای برتری دادن چیزی یا شخصی بر دیگری به کار می رود و از فعل مضارع به شرح زیر ساخته می شود:

اسم تفضیل مذکر را اینگونه می سازیم:

- ۱- علامت مضارع را حذف می کنیم.
- ۲- به جایش همزه اسم تفضیل می آوریم.
- ۳- اگر عین الکلمه، مفتوح نباشد، آنرا فتحه می دهیم.

روش ساخت اسم تفضیل مؤنث

- ۱- پس از حذف علامت مضارع، فاء الفعل را ضمه می دهیم.
- ۲- عین الفعل را ساکن می کنیم.
- ۳- بعد از لام الفعل - الف مقصوره^(۱) - می آوریم.

۱- الف مقصوره به الفی گفته می شود که نوشتنش به صورت «ی» است و خواندنش به صورت الف باشد، مانند: موسی.

صرف اسم تفضیل مذکر

ترجمه	صیغه
یک مرد زنده‌تر	۱- أَضْرَبُ
دو مرد زنده‌تر	۲- أَضْرَبَانِ
مردان زنده‌تر	۳- أَضْرَبُونَ
مردان زنده‌تر	۴- أَضَارِبُ

صرف اسم تفضیل مؤنث

ترجمه	صیغه
یک زن زنده‌تر	۱- ضَرَبِي
دو زن زنده‌تر	۲- ضَرَبَيَانِ
زنان زنده‌تر	۳- ضَرَبِيَّاتُ
زنان زنده‌تر	۴- ضَرَبُ

پرسش و تمرین

- ۱- روش ساخت اسم تفضیل مذکر را شرح دهید.
- ۲- روش ساخت اسم تفضیل مؤنث را شرح دهید.
- ۳- اسم تفضیل مذکر چند صیغه دارد؟
- ۴- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
ضُرَبَاتٌ - ضَرْبٌ - أَضَارِبُ - أَضْرَبُ
- ۵- از **يَكْتُبُ** اسم تفضیل مذکر و مؤنث بسازید و صیغه‌ها را با ترجمه آنها بنویسید.

تذکره:

تا اینجا کتاب **میزان الصرف** به پایان رسید
دنباله آن کتاب **منشعب تألیف "ملاحمزه بدایونی"** هندی است که بنام
خدا آغاز می‌کنیم.

درس چهاردهم

حروف اصلی و زائد، ثلاثی و رباعی

حروف بر دو گونه اند: اصلی و زائد.

حروف اصلی به حروفی گفته می شود که در مقابل سه حرف «فاو عین و لام» قرار داشته باشد.

تمام افعال متصرفه و اسمای معربه به دو قسم تقسیم می شوند:

۱- ثلاثی ۲- رباعی

ثلاثی یا سه حرفی آن است که فعل ماضی اش دارای سه حرف اصلی باشد. مانند: «نَصَرَ، ضَرَبَ»

ثلاثی بر دو نوع است: ۱- ثلاثی مجرد ۲- ثلاثی مزیدفیه.

ثلاثی مجرد آن است که صیغه واحد مذکر غائب فعل ماضی آن دارای حرف زائد نباشد، مانند: «نَصَرَ، ضَرَبَ».

ثلاثی مزیدفیه آن است که صیغه واحد مذکر غائب آن دارای حروف زاید باشد، مانند: «اَكْرَمَ، ضَارَبَ».

ثلاثی مجرد بر دو قسم است: یکی قیاسی یا مطرّد که اوزان بیشتر دارد، دوّم: شاذ و خلاف قیاس که اوزانش کمتر هستند.

پرسش و تمرین

- ۱- حروف اصلی و زاید چگونه شناخته می شوند؟ توضیح دهید.
- ۲- اقسام افعال متصرفه و اسمای معربه را بیان نمایید.
- ۳- ثلاثی و رباعی را تعریف نمایید.
- ۴- اقسام ثلاثی و رباعی را بیان نمایید.
- ۵- در کلمات ذیل ثلاثی و نوع آن را مشخص سازید:
شَرِیفٌ - مَضْرُوبٌ - یُکْرَمُ - ضَارِبٌ.
- ۶- ثلاثی مجرد قیاسی و شاذ را تعریف کنید.

درس پانزدهم

ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۱)

ثلاثی مجرد قیاسی دارای پنج باب می باشد:

باب اول: بر وزن «فَعَلَ يَفْعُلُ» با فتح عین در ماضی و ضمه آن در مستقبل، مانند: «النَّصْرُ وَالنُّصْرَةُ» یاری نمودن که تصریفش به شرح زیر است:

نَصَرَ ماضی معلوم
يُنْصِرُ مضارع معلوم
نَصْرًا مصدر
فهو - نَاصِرٌ اسم فاعل
و - نُصِرَ ماضی مجهول
يُنْصَرُ مضارع مجهول
نَصْرًا مصدر
فذاک - مَنُصُّورٌ اسم مفعول
أَلَامِرٌ - أَنْصُرُ امر
و النهی - لَا تَنْصُرْ نهی
الظرف - مَنُصَّرٌ، مَنُصَّرَانِ، مَنَاصِرٌ	
و الآلة - مَنُصَّرٌ، مَنُصَّرَةٌ، مَنُصَّارٌ، مَنُصَّرَانِ، مَنَاصِرٌ	
أفعل التفضیل - أَنْصَرُ، أَنْصَرَانِ، أَنْصَرُونَ، أَنْاصِرُ (اسم تفضیل)	

(مذکر)

نُضْرِي، نُضْرِيَانِ، نُضْرِيَاتُ، نُصَرُّ (اسم تفضیل مؤنث)

و از همین باب است:

أَلْطَلَبُ: جستن

أَلْدُخُولُ: در آمدن

أَلْقَتْلُ: کشتن

أَلْفَتْلُ: تافتن

باب دَوَم: بروزن «فَعَلَ يَفْعُلُ» با فتح عین در ماضی و کسر آن در مستقبل، مانند: «الضَّرْبُ وَ الضَّرْبَةُ» زدن و رفتن بر روی زمین و بیان کردن، تصریفش چنین است:

ضَرَبَ ماضی معلوم

يَضْرِبُ مضارع معلوم

ضَرْباً مصدر

فهو - ضَارِبٌ اسم فاعل

و - ضَرَبَ ماضی مجهول

يُضْرَبُ مضارع مجهول

ضَرْباً مصدر

فذاک - مَضْرُوبٌ اسم مفعول

الامر - اِضْرِبْ امر

و النهی - لَا تَضْرِبْ نهی

الظرف - مَضْرَبٌ، مَضْرَبَانِ، مَضَارِبٌ.

و الآلة - مَضْرَبٌ، مَضْرَبَةٌ، مِضْرَابٌ، مِضْرَبَانِ، مَضَارِيبُ (همه انواع

اسم آله)

افعل التفضيل - أَضْرَبُ، أَضْرَبَانِ، أَضْرَبُونَ، أَضَارِبُ (اسم تفضيل

مذكر) ضَرْبِي، ضَرْبِيَانِ، ضَرْبِيَاتُ، ضَرْبُ (اسم تفضيل مؤنث)

و از همین باب است:

الْغَلْبُ: غلبه کردن

الظُّلْمُ: ستم کردن

الْفَضْلُ: جدا کردن

الْفَسْلُ: شستن

پرسش و تمرین

- ۱- ثلاثی مجرد قیاسی چند باب دارد؟
 - ۲- وزن باب اوّل را مشخص سازید.
 - ۳- الضَّرْبُ و الضَّرْبَةُ بر چند معنی مستعمل می شود و در چه مواردی به کار می رود؟
 - ۴- باب دوّم را از مصدر «الْفَعْلُ» و باب اوّل را از مصدر «الطَّلَبُ» صرف نمایید.
 - ۵- الْفَعْلُ و الْفَعْلُ از چه بابی هستند؟ مشخص سازید.
 - ۶- نوع صیغه های زیر را مشخص سازید:
لَا تَنْصُرْ - مِّنْصَرَانِ - نُصْرِيَّاتٌ - مِّنْصَارٌ - ظَلَمْتُ - مَغْلُوبٌ - أَغْلَبْتُ
فُضِّلْتُ - مَفْتُولٌ - قُتِلَ.
 - ۷- اسم آله را از مصدر «الطَّلَبُ» و اسم تفضیل مذکر را از مصدر «الظُّلْمُ» در دفتر تمرین خود بنویسید.
 - ۸- صیغه های عربی را بنویسید.
- یک زن یاری کننده - تو یک مرد وارد شو - دو مرد مورد ستم قرار گرفته تو یک مرد ستم نکن - یک زن ستمکارتر - زنان کشته شده

درس شانزدهم

ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۲)

باب سَوَم: بر وزن «فَعِلَ یَفْعَلُ» با کسر عین در ماضی و فتح آن در مستقبل، مانند: «السَّمْعُ وَ السِّمَاعُ» شنیدن و گوش فراداشتن، تصریفش چنین است:

سَمِعَ ماضی معلوم

یَسْمَعُ مضارع معلوم

سَمِعاً مصدر

فهو - سَامِعٌ اسم فاعل

و - سُمِعَ ماضی مجهول

یُسْمَعُ مضارع مجهول

سَمِعاً مصدر

فذاک - مَسْمُوعٌ اسم مفعول

الامر - اِسْمَعُ امر

و النهی - لَا تَسْمَعُ نهی

الظرف - مَسْمَعٌ، مَسْمَعَانِ، مَسَامِعٌ، (مفرد، تثنیه، جمع)

و الآلة - مِسْمَعٌ، مِسْمَعَةٌ، مِسْمَاعٌ، مِسْمَعَانِ، مَسَامِیعٌ (انواع اسم آله)

افعل التفضیل - اَسْمَعُ، اَسْمَعَانِ، اَسْمَعُونَ، اَسَامِعٌ (اسم تفضیل مذکر)

سَمِعُ، سَمِعَيَانِ، سَمْعِيَّاتُ، سَمْعٌ (اسم تفضیل مؤنث)

و از همین باب است:

الْعِلْمُ: دانستن

الْفَهْمُ: دریافتن

الْحِفْظُ: نگاهداشتن

الشَّهَادَةُ: گواهی دادن

الْحَمْدُ: ستودن

الْجَهْلُ: نداستن

باب چهارم: بر وزن «فَعَلَ يَفْعَلُ» با فتح عین در ماضی و مضارع،

مانند: «الْفَتْحُ»: گشودن و فتح کردن کشوری

تصریفش چنین است:

فَتَحَ ماضی معلوم

يُفْتَحُ مضارع معلوم

فَتْحاً مصدر

فَهُوَ - فَاتِحٌ اسم فاعل

و - فُتِحَ ماضی مجهول

يُفْتَحُ مضارع مجهول

فَتْحاً مصدر

فَذَاكَ - مَفْتُوحٌ اسم مفعول

الامر - اِفْتَحْ امر

و النهی - لَا تَفْتَحْ نهی

الظرف - مَفْتَحٌ، مَفْتَحَانِ، مَفَاتِحُ

والآلة - مِفْتَاحٌ، مِفْتَاحَةٌ، مِفْتَاحٌ، مِفْتَاحَانِ، مِفَاتِیحُ.

افعل التفضیل - أَفْتَحُ، أَفْتَحَانِ، أَفْتَحُونَ، أَفَاتِحُ (اسم تفضیل مذکر)

فُتِحَ، فُتِحَانِ، فُتِحَاتٌ، فُتِحَ (اسم تفضیل مؤنث).

و از همین باب است:

أَلْمَنَعُ: بازداشتن

أَلَصَّبَغُ: رنگ کردن

أَلَرَّهْنُ: گروداشتن

أَلَسَّلَخُ: پوست کشیدن

تذکر: هر فعلی که بر این وزن می آید مشروط است بر این که در مقابل عین الفعل و یا لام الفعل آن، حرفی از حروف شش گانه حلقى داشته باشد، به استثنای دو باب «رَكَنَ يَرْكُنُ» و «أَبَى يَأْبَى» که به صورت شاذ و خلاف قیاس می آیند.

حرف حلقى شش بود ای نور عین

همزه، هاء و حاء و خاء و عین و غین

پرسش و تمرین

- ۱- وزن باب سوّم و چهارم را مشخص سازید.
- ۲- مصدر «الشَّهَادَةُ» از کدام باب است؟
- ۳- فعلی که بر وزن «فَعَلَ يَفْعَلُ» می آید باید دارای چه شرطی باشد؟
- ۴- حروف حلقی چند تا هستند؟ آنها را نام ببرید
- ۵- مصدر «الرَّهْنُ» و «السَّلْخُ» را از باب چهارم صرف نمائید.
- ۶- «الصَّنْعُ» و «الْجَهْلُ» از چه بابهایی هستند؟ مشخص نمائید.
- ۷- اسم تفضیل و اسم آلّه مصدرهای «الْعِلْمُ» و «الْحَمْدُ» را توضیح دهید.

۸- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

مَحْفُوظٌ، مَسْلُخٌ، أَفْهَمُونَ، لَا تَجْهَلُ، أَمَانُ، جُهْلِيَّاتٌ

- ۹- صیغه‌های شماره‌های زیر را از فعل جحد معلوم از مصدر «العلم» بنویسید: ۴- ۹- ۱۳- ۶- ۸- ۱۱- ۷

درس هفدهم

(۳)

ابواب قیاسی ثلاثی مجرد

باب پنجم: بر وزن «فَعْلَ یَفْعُلُ» با ضمه عین در ماضی و مضارع مانند:
«الْكَرْمُ وَ الْكَرَامَةُ» بزرگوار شدن، تصریفش چنین است:

كَرْمٌ ماضی معلوم

یَكْرُمُ مضارع معلوم

كَرْمًا وَ كَرَامَةً مصدر

فَهُوَ - كَرِیمٌ اسم فاعل

الامر - اُكْرِمُ امر

و النهی - لَا تَكْرُمُ نهی

الظرف - مَكْرَمٌ، مَكْرَمَانِ، مَكَارِمُ

و الآلة - مِكرَمٌ، مِكرَمَةٌ، مِكرَمَانِ، مِكَارِیمُ

افعل التفضیل - اَكْرَمُ، اَكْرَمَانِ، اَكْرَمُونَ، اَكَارِمُ (اسم تفضیل مذکر)

كُرْمِ، كُرْمِیَانِ، كُرْمِیَاتُ، كُرْمٌ (اسم تفضیل مؤنث)

و از همین باب است:

الْلُّطْفُ وَ اللِّطَافَةُ: پاکیزه شدن

الْقُرْبُ: نزدیک شدن

الْبُعْدُ: دور شدن

الْكَثْرَةُ: بسیار شدن

تذکره: این باب، لازم است (یعنی مجهول و مفعول ندارد) و اسم فاعل آن، عموماً بر وزن «فَعِيلٌ» می آید.

پرسش و تمرین

- ۱- وزن باب پنجم را مشخص سازید.
- ۲- ماضی (الْكَثْرَةُ) و (الْلَطَافَةُ) را از باب پنجم صرف نمائید.
- ۳- آیا باب پنجم اسم مفعول و مضارع مجهول دارد؟
- ۴- اسم فاعل باب «فَعْلٌ يَفْعُلُ» بر چه وزنی می آید؟
- ۵- اسم تفضیل مؤنث و اسم ظرف مصدر «الْقُرْبُ» و «الْبُعْدُ» را بنویسید.

- ۶- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
قُرْبَيَانِ، بَعِيدَةٌ، كُرْمِي، كُثْرٌ، مِلْطَفَةٌ
- ۷- ماضی مجهول و اسم مفعول را از باب «الْكَثْرَةُ» صرف کنید.
- ۸- صیغه‌های زیر را ترجمه کنید:

مَكَائِرُ	الطُّفَى	مَبْعَدٌ
قُرْبَيَاتٌ	لَا تَقْرَبَا	

درس هجدهم

(۱) ابواب شاذ ثلاثی مجرد

ثلاثی مجردی که به صورت شاذ و خلاف قانون می آید و اوزانش اندک هستند، از سه باب می آید.

باب اول: بر وزن «فَعِلَ یَفْعِلُ» با کسره عین در ماضی و مضارع، مانند: «الْحَسِبُ وَ الْحَسِبَانُ» پنداشتن و گمان بردن، که تصریفش به شرح زیر می باشد:

حَسِبَ	ماضی معلوم
يَحْسِبُ	مضارع معلوم
حَسِباً وَ حَسِبَاناً	مصدر
فَهُوَ - حَاسِبٌ	اسم فاعل
وَ - حُسِبَ	ماضی مجهول
يُحْسَبُ	مضارع مجهول
حَسِباً وَ حَسِبَاناً	مصدر
فَذَاكَ - مَحْسُوبٌ	اسم مفعول
الامر - اِحْسِبْ	امر
والنهی - لَا تَحْسِبْ	نهی
الظرف - مَحْسَبٌ، مَحْسَبَانِ، مَحَاسِبٌ.	

والآلة - مِحْسَبٌ، مِحْسَبَةٌ، مِحْسَابٌ، مِحْسَبَانِ، مَحَاسِبُ
 افعال التفضيل - أَحْسَبُ، أَحْسَبَانِ، أَحْسَبُونَ، أَحَاسِبُ (مذكر)
 حُسْبِي، حُسْبِيَانِ، حُسْبِيَاتُ، حُسْبُ (مؤنث)

تذکر: این باب فقط دارای دو مورد صحیح است و بجز آن دو مورد،
 صحیحی دیگر از این باب نیامده است که عبارتند از:
 «حَسِبَ يَحْسِبُ» و «نَعِمَ يَنْعَمُ» مانند: «الْتَّعْمُ وَ التَّعْمَةُ» خوش عیش
 شدن و آسایش یافتن.

باب دَوَم: بر وزن «فَعَلَ يَفْعُلُ» با کسر عین در ماضی و ضم آن در
 مضارع، مانند: «أَفْضَلُ»: افزون شدن و غلبه کردن
 تصریفش به شرح زیر است:

فَضِلَ ماضی معلوم
يَفْضُلُ مضارع معلوم
فَضْلاً مصدر
فهو - فَاضِلٌ اسم فاعل
و - فُضِلَ ماضی مجهول
يُفْضَلُ مضارع مجهول
فَضْلاً مصدر
فذاک - مَفْضُولٌ اسم مفعول
أَلامر - أُفْضِلُ امر
والنهی - لَا تَفْضُلْ نهی

الظرف - مَفْضَلٌ، مَفْضَلَانِ، مَفَاضِلٌ
والآلة - مِفْضَلٌ، مِفْضَلَةٌ، مِفْضَالٌ، مَفَاضِلٌ
افعل التفضيل - أَفْضَلُ، أَفْضَلَانِ، أَفْضَلُونَ، أَفْضَلُ: مذكر
فُضِّلِي، فُضِّلِيَانِ، فُضِّلِيَاتُ، فُضِّلُ: مؤنث
و از همین باب است: «الْحُضُورُ»: حاضر شدن
تذکر: از این باب فقط یک مورد صحیح آمده است که همان «فَضِلَ
يَفْضُلُ» است، ولی بعضی از علمای صرف، «حَضَرَ يَحْضُرُ» و «نَعِمَ يَنْعُمُ»
را نیز از همین باب شمرده‌اند.

پرسش و تمرین

- ۱- اوزان ابواب ثلاثی مجرد شاذ را مشخص سازید.
- ۲- باب اوّل دارای چند مورد صحیح می‌باشد؟
- ۳- کدام باب فقط یک مورد صحیح دارد؟
- ۴- مصدر «الحضور» را از باب دوّم صرف نمایید.
- ۵- اسم آله و اسم ظرف مصدر «النعم» را بنویسید.
- ۶- اسم فاعل باب «حَسِبَ يَحْسِبُ» را نوشته، ترجمه نمایید.
- ۷- صیغه‌های شماره‌های زیر را از فعل مضارع منفی مجهول از باب اوّل نوشته ترجمه نمایید. ۳- ۱۲- ۶- ۹- ۴- ۱
- ۸- به عربی ترجمه کنید:
یک زن حاضر شد - باید یک مرد حاضر شود - هرگز نخواهیم حاضر شد - آن یک زن حاضر نخواهد شد - مردان حاضر شوند

درس نوزدهم

ابواب شاذ ثلاثی مجرد (۲)

باب سَوَم: بر وزن «فَعَلَ يَفْعُلُ» با ضم عین در ماضی و فتح آن در مضارع، مانند «الْكُودُ وَالْكَيْدُودَةُ» خواستن و نزدیک شدن.

تصریفش چنین است:

كَادَ ماضی معلوم

يُكَادُ مضارع معلوم

كُوداً وَكَيْدُودَةً مصدر

فهو - كَائِدٌ اسم فاعل

و - كَيْدٌ ماضی مجهول

يُكَادُ مضارع مجهول

كُوداً وَكَيْدُودَةً مصدر

فذاک - مَكُودٌ اسم مفعول

الامر - كَدْ امر

والنهی - لَا تَكَدْ نهی

الظرف - مَكَادٌ، مَكَادَانٍ، مَكَاوِدٌ

والآلة - مِكُودٌ، مِكُودَةٌ، مِكُودَا، مِكُودَانٍ، مَكَاوِيدٌ

افعل التفضیل - أَكُودٌ، أَكُودَانٍ، أَكُودُونَ، أَكَاوِدٌ مذكر

كُودِي، كُودِيَانٍ، كُودِيَاتٌ، كُودٌ مؤنث

تذکر:

۱- هر فعل ماضی که مضموم العین باشد، مستقبل او نیز مضموم العین می آید، مگر معتل واوی که در مقابل عین الفعل آن، حرف «واو» باشد، مانند همین «كَادَ يَكَادُ».

۲- كُذِّتَ در اصل كُوذِّتَ بود، ضمه بر واو ثقیل بود، آنرا نقل نموده، به ما قبل دادند. واو پس از دادن حرکت به ماقبل، به عِلَّت اجتماع ساکنین افتاد، آنگاه «دال» را به «تا» تبدیل کردند، «تا» را در «تا» ادغام نمودند، «كُذِّتَ» شد.

يَكَادُ هم در اصل يَكُوذُ بود، حرکت واو را نقل نموده، به ماقبل دادند، واو را به مناسبت فتحه به الف تبدیل کردند، «يَكَادُ» شد.

پرسش و تمرین

۱- «يَكَادُ» در اصل خویش چه بوده است و چگونه يَكَادُ شده؟
توضیح دهید.

۲- «كُذْتُ» در اصل چه بوده و چگونه «كُذْتُ» شده است؟

۳- فعل امر «كَادَ يَكَادُ» را با ترجمه اش بنویسید؟

۴- مضارع مجهول «يَكَادُ» را صرف نمائید.

۵- نوع صیغه های زیر را مشخص سازید:

كَيْدًا، كُودِي، كُودٌ، لَيْكَادَنَّ

۶- صیغه شماره های ۳ - ۵ - ۲ - ۶ از اسم فاعل و اسم مفعول را از
باب سوم نوشته ترجمه کنید.

۷- به عربی ترجمه کنید:

آن مردان خواستند - تو یک زن نخواهی - خواسته نشده ام - یک
آله خواستن - جاها یا زمانهای خواستن

درس بیستم

ابواب ثلاثی مزید فیه (۱)

ثلاثی مزید فیه بردو گونه است: یکی آنکه ملحق به رباعی باشد، دوّم آنکه ملحق به رباعی نباشد، آن نوعی که ملحق به رباعی نیست نیز بر دو قسم است: یکی آنکه دارای همزه وصل باشد، دیگر آنکه دارای همزه وصل نیست. آنکه همزه وصل را می پذیرد، ث (۹) باب دارد:

باب اوّل: بر وزن «إِفْتِعَالُ» مانند: «أَلِجِتَابُ» دوری جستن،

تصریفش به شرح زیر می باشد:

إِجْتَبَ ماضی معلوم

يَجْتَبُ مضارع معلوم

إِجْتَبَاءً مصدر

فهو - مُجْتَبٍ اسم فاعل

و - أُجْتَبَ ماضی مجهول

يُجْتَبُ مضارع مجهول

إِجْتَبَاءً مصدر

فذاک - مُجْتَبٍ اسم مفعول

الامر - إِجْتَبَ امر

و النهی - لَا تَجْتَبُ نهی

و از همین باب است:
 الْأَقْتِبَاسُ: فرا گرفتن و استفاده نمودن
 الْأَقْتِنَاصُ: صید کردن
 الْأَلْتِمَاسُ: جستن
 الْأَعْتَزَالُ: یکسو شدن
 الْأَخْتِمَالُ: حمل نمودن و برداشتن
 الْأَخْطَافُ: ربودن

تذکر:

ابواب مزید، اسم آله ندارند و اسم ظرفشان بر وزن اسم مفعول خواهد آمد.

باب دوم: بروزن «اِسْتِفْعَالُ»، مانند: «اَلْاِسْتِنْصَارُ»: طلب یاری کردن، تصریفش چنین است:

اِسْتَنْصَرَ ماضی معلوم
 يَسْتَنْصِرُ مضارع معلوم
 اِسْتَنْصَارًا مصدر
 فهو - مُسْتَنْصِرٌ اسم فاعل
 و - اُسْتَنْصِرَ ماضی مجهول
 يُسْتَنْصَرُ مضارع مجهول

اِسْتِصَاراً مصدر

فِذَاكَ - مُسْتَنْصَرٌ اسم مفعول

أَلَامِر - اِسْتَنْصِر امر

وَالنَّهْي - لَا تَسْتَنْصِر نهی

و از همین باب است:

اَلْاِسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن

اَلْاِسْتِثْقَارُ: رمیدن و ماندن

اَلْاِسْتِفْسَارُ: پرسیدن

اَلْاِسْتِخْلَافُ: خلیفه گرفتن و جانشین اعلام کردن

اَلْاِسْتِمْتَاعُ: بهره گرفتن، بر خوداری گرفتن از کسی یا چیزی

تذکر:

این هر دو باب هم به معنی لازم و هم به معنی متعدی مستعمل

می شوند.

پرسش و تمرین

۱- ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی نیست دارای چند قسم می باشد؟

۲- فعل مضارع مجهولِ باب «اقتباس» را صرف نمایید.

۳- فعل امر مصدر «اعتزال» و «التماس» را صرف نمایید.

۴- ماضی مجهول مصدر «استخلاف» و «استِمْتاع» را صرف نمایید.

۵- ماضی معلوم مصدر «استغفار» را با ترجمه آن در دفتر خویش

بنویسید.

۶- نوع صیغه های زیر را مشخص و آنها را ترجمه کنید:

مُسْتَضِرُّونَ، اُسْتُخْلِفْتُمْ، مُعْتَزِلَةٌ، تَخْتَلِفُونَ، اِقْتَنَصُوا، اِقْتَبَسْنَا،

يَسْتَفْسِرُونَ

۷- صیغه شماره های ۸-۴-۳-۹-۱۱-۱۴- و ۱۰ از مصدرهای:

الاختلاف، الاعتزال و الاقتناص فعل مضارع معلوم را نوشته ترجمه

کنید.

درس بیست و یکم

ابواب ثلاثی مزید فیه (۲)

باب سوم: بر وزن «انْفَعَالٌ»، مانند: «الْأَنْفَطَارُ»: شکافته شدن. هر فعلی که بر این وزن آید، لازم می شود.
تصریفش به شرح زیر می باشد:

انْفَطَرَ ماضی معلوم

يَنْفَطِرُ مضارع معلوم

انْفِطَاراً مصدر

فهو - مُنْفَطِرٌ اسم فاعل

الامر - انْفِطِرْ امر

والنهی - لا تَنْفَطِرْ نهی

و از همین باب است:

الْأَنْصِرَافُ: بازگشتن

الْأَنْقِلَابُ: واژگون شدن

الْأَنْخِفَافُ: سبک شدن

الْأَنْشِعَابُ: شاخ شاخ شدن (منشعب شدن)

باب چهارم: بر وزن «افْعَالٌ»، مانند: «الْأَحْمِرَاءُ»: سرخ و قرمز شدن، و

این باب هم لازم است که تصریفش چنین است:

إِخْمَرَ ماضی معلوم

يَخْمَرُ مضارع معلوم

إِخْمَرَارًا مصدر

فهو - مُخْمَرٌ اسم فاعل

الامر - إِخْمَرْ، إِخْمَرِ، إِخْمِرْ امر

و النهی - لَا تَخْمَرْ، لَا تَخْمِرْ، لَا تَخْمِرْ نهی

و از همین باب است:

أَلَا خَضِرَارُ: سبزرنگ شدن

أَلَا ضَفِرَارُ: زردرنگ شدن

أَلَا غِبَرَارُ: غبار آلود شدن

أَلَا بَلَقَارُ: ابلق رنگ شدن

پرسش و تمرین

- ۱- باب «انفعال» لازم است یا متعدی؟
 - ۲- اسم فاعل باب «انفطار» را صرف نمائید.
 - ۳- مضارع معلوم باب «انقلاب» و «انشعاب» را صرف نمائید.
 - ۴- باب «افعال» لازم است یا متعدی؟
 - ۵- ماضی معلوم مصدر «اخضرار» را با ترجمه آن بنویسید.
 - ۶- نهی مصدر «ابلقاق» و «اصفرار» را صرف نمائید.
 - ۷- صیغه‌های زیر را ترجمه نمائید.
- مُنْقَطِرُونَ، يَنْقَطِرْنَ، اِنْقَلَبْتُمْ، يَحْمَرُّ، مُنْشَعِبَةٌ، اِغْبِرُّوْا، يَنْصَرِفَانِ
- ۸- صیغه شمارهای: ۳-۷-۱۱-۸-۱۴-۶ فعل مضارع معلوم از باب الاصفرار و ماضی معلوم از باب: الانقلاب را نوشته ترجمه کنید.

درس بیست و دوم

ابواب ثلاثی مزید فیه (۳)

باب پنجم: بر وزن «إَفْعِلَالٌ»، مانند: «الْأَذْهِيمَامُ»: سیاه و تیره شدن، این باب هم لازم است و تصریفش چنین است:

إِذْهَامٌ ماضی معلوم

يَذْهَامُ مضارع معلوم

إِذْهِيمَامًا مصدر

فهو - مُذْهَامٌ اسم فاعل

الامر - إِذْهَامٌ، إِذْهَامٌ، إِذْهَامِمٌ امر

والنهی - لَا تَذْهَامُ، لَا تَذْهَامُ، لَا تَذْهَامِمِ نهی

و از همین باب است:

الْإِسْمِيرَارُ: گندم گون شدن

الْأَكْمِيَتَابُ: کمیت شدن است (کمیت: اسبی که رنگش بین سیاهی و

سرخ باشد)

الْإِشْهِيَتَابُ: سفید شدن اسب

الْإِصْحِيرَارُ: خشک شدن گیاه

الْإِشْحِيرَارُ: همراه شدن

باب ششم: بر وزن «إَفْعِيْعَالٌ»، مانند: «أَلَا خَشِيشَانُ»: درشت

و خشن شدن، تصریفش به شرح زیر می باشد:

إِخْشَوْشَنَ ماضی معلوم

يَخْشَوْشِنُ مضارع معلوم

إِخْشِيشَانًا مصدر

فهو - مُخْشَوْشِنُ اسم فاعل

الامر - إِخْشَوْشِنُ امر

و النهی - لَا تَخْشَوْشِنُ نهی

و از همین باب است:

أَلَا خَرِيرَاقُ: پاره شدن جامه و پیراهن

أَلَا خُلَيْلَاقُ: کهنه شدن پیراهن

أَلَا مِلِيلَاقُ: شور شدن آب

أَلَا حَدِيدَابُ: کورپشت شدن

این باب هم لازم است و در قرآن مجید نیامده است.

پرسش و تمرین

۱- از باب «افعیلال» و «افعیعال»، کدام یک لازم و کدام یک متعدی است؟

۲- مضارع معلوم از مصدر «اکمیتات» و «اسحیرار» را صرف کنید.

۳- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

إِذْهَامَتْ، مُذْهَامَتَانِ، يَخْرُورِقْنَ، اِمْلُؤْلِحَا، مُخْدَوْدِبَةٌ

۴- اسم فاعل «اخلیلاق» و «احدیداب» را صرف نموده، ترجمه کنید.

۵- به عربی ترجمه کنید:

آن دو زن تیره و سیاه شدند - تو گندم‌گون شدی.

آن مرد کوژ پشت شد - شما دو مرد سیاه نشوید.

درس بیست و سوم

(۴)

ابواب ثلاثی مزید فیه

باب هفتم: بر وزن «افْعَوَالٌ»، مانند: «الْأَجْلَوَادُ»: شتافتن شتر،

تصریفش چنین است:

إَجْلَوَدُ ماضی معلوم

يَجْلَوَدُ مضارع معلوم

إَجْلَوَادًا مصدر

فهو - مُجْلَوَدٌ اسم فاعل

الامر - إَجْلَوِدْ امر

والنهی - لَا تَجْلَوِدْ نهی

و از همین باب است:

الْأَخْرَوَاطُ: تراشیدن چوب

الْأَعْلَوَاطُ: قلاده و گردن بند به گردن شتر بستن، چنانکه

گفته می شود:

إِعْلَوَطَ الْبَعِيرُ إِذَا تَعَلَّقَ بِعُنُقِهِ قِلَادَةً.

این باب هم لازم است و در قرآن مجید نیامده است.

باب هشتم: بر وزن «إِفَاعُلٌ»، مانند: «الْأَثَاقِلُ»: گران بار و سنگین شدن

و خویش را سنگین بار ساختن، تصریفش چنین است:

.....	إِثْقَالَ	ماضی معلوم
.....	يُثَقِّلُ	مضارع معلوم
.....	إِثْقَالًا	مصدر
.....	فهو - مُثَقِّلٌ	اسم فاعل
.....	الامر - إِثْقَالُ	امر
.....	والنهي - لَا تُثَقِّلُ	نهی

و از همین باب است:

أَلَا دَارُكَ: در رسیدن و فهمانیدن

أَلَا سَاقُطُ: افتادن

أَلَا شَابُهُ: هم شکل و هم قیافه شدن

أَلَا صَالِحُ: با یکدیگر آشتی کردن

باب نهم: بر وزن «افْعَلُ»، مانند: «أَلَا طَهَّرُ»: پاک شدن،

تصریفش چنین است:

.....	إِطَهَّرَ	ماضی معلوم
.....	يُطَهِّرُ	مضارع معلوم
.....	أَطَهَّرَ	مصدر
.....	فهو - مُطَهِّرٌ	اسم فاعل
.....	الامر - إِطَهِّرْ	امر

و النهی - لَا تَطَهَّرْ نهی

و از همین باب است:

أَلَا زَمْلٌ: جامه بر سر کشیدن

أَلَا ضَرْعٌ: زاری کردن

أَلَا جَنْبٌ: دور شدن

أَلَا ذَكْرٌ: پند پذیرفتن و یاد کردن

تذکر: اصل باب «إِفَاعُلُّ» و «إِفْعَلُّ»، تَفَاعُلُّ و تَفَعَّلُ بوده، «تا» را به «فا»

بدل کردند، «فا» را به مناسبت مجانست در مخرج، در «فا» ادغام نمودند،

سپس همزه وصل مکسور در اوّل آن درآوردند تا ابتدا به سکون لازم

نیاید، آنگاه «إِفَاعُلُّ» و «إِفْعَلُّ» شد.

پرسش و تمرین

۱- باب «إِفْعَوَالٌ» را از مصدر «إِخْرَوُاطٌ» صرف نمائید.

۲- اصل باب «إِفَاعِلٌ» و «إِفْعَلٌ» چه بوده است؟ و چگونه این دو باب

تعلیل شده‌اند؟

۳- اسم فاعل را از مصدر «الْإِشَابَةُ» و «الْإِدَارُكُ» صرف نمائید.

۴- امر مصدر «الْأَزْمَلُ» و «الْأَذْكُرُ» را صرف نمائید.

۵- صیغه‌های زیر را ترجمه نموده، نوع آن را مشخص سازید:

إِجْلَوْدَا، تَخْرُوْطُ، مُعْلَوِّطَاتُ، إِدَارَكَا، يَشَابَهُوْنَ، لَا تَصَالِحَا، يَضْرَعُوْنَ،

مُزْمَلُ، يَذْكُرُ

۶- صیغه شماره‌های ۹-۴-۸-۶-۱۱-۳-۱ را از مصدر الْإِجْتَبُ

از فعل ماضی نوشته آنها را ترجمه کنید.

درس بیست و چهارم

نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۱)

نوع دیگر ابواب مزیدفیه آن است که همزه وصل را نمی پذیرد و دارای پنج باب می باشد:

باب اول: بر وزن «إِفْعَالٌ»، مانند «الْأَكْرَامُ»: گرامی داشتن، تصریفش

چنین است:

أَكْرَمَ ماضی معلوم

يُكْرِمُ مضارع معلوم

إِكْرَامًا مصدر

فهو - مُكْرِمٌ اسم فاعل

و - أَكْرَمَ ماضی مجهول

يُكْرِمُ مضارع مجهول

إِكْرَامًا مصدر

فذاک - مُكْرِمٌ اسم مفعول

أَلَامِر - أَكْرِمُ امر

و النہی - لَا تُكْرِمُ نہی

و از همین باب است:

أَلَا سَلَامٌ: مسلمان شدن و گردن به طاعت نهادن

أَلَا ذَهَابٌ: بردن

أَلَا غَلَانٌ: آشکار کردن، اعلام نمودن

أَلَا كَمَالٌ: تمام کردن و تکمیل نمودن

تذکر: همزه امر حاضر این باب وصلی نیست، بلکه همزه قطع است که در مضارع، موقتاً بنا به عللی حذف شده است، زیرا اصل «تُكْرِمُ» «تَأْكُرِمُ» بوده است، برای موافقت «أُكْرِمُ» که در اصل «أَأْكُرِمُ» بوده است، همزه دوّم به واسطه اجتماع همزین ساقط شد و «أَأْكُرِمُ» گردید.

باب دوّم: بر وزن «تَفْعِيلٌ»، مانند: «الْتَّضَرِّيفُ»: گردانیدن و

صرف نمودن

تصریفش به شرح زیر می باشد:

صَرَّفَ ماضی معلوم

يُصَرِّفُ مضارع معلوم

تَصَرِّيفاً مصدر

فهو - مُصَرِّفٌ اسم فاعل

و - صَرِّفَ ماضی مجهول

يُصَرِّفُ مضارع مجهول

تَصَرِّيفاً مصدر

فذاک - مُصَرَّفٌ اسم مفعول

الامر - صَرَّفٌ امر

و النهی - لَا تُصَرِّفُ نهی

و از همین باب است:

الْكَذِبُ وَ الْكَذَّابُ: کسی را دروغگو نمودن و تکذیب کردن

الْتَّقْدِيمُ: پیش کردن و پیش شدن، تقدیم کردن

الْتَّمَكِينُ: جای دادن

الْتَّعْظِيمُ: بزرگداشتن

الْتَّعْجِيلُ: شتابی کردن

پوشش و تمرین

- ۱- ثلاثی مزیدی که همزه وصل را نمی‌پذیرد، چند باب دارد؟
- ۲- باب افعال را از مصدر «اسلام» و «اکمال» صرف نمایید.
- ۳- «تُکْرِمُ» در اصل چه بوده است؟ توضیح دهید.
- ۴- مضارع مجهول «التعظیم» و «التعجیل» را صرف نمایید.
- ۵- ده صیغه از باب «اذهاب» و ده صیغه از باب «تمکین» انتخاب نموده، آنها را ترجمه نمایید.
- ۶- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
 مُكْرِمُونَ، مُسْلِمَانِ، أَذْهَبْتُمْ، مُعَلِّئَةٌ، أَكْمَلَنِي، نُمَكِّنْ، عَجِّلُوا، لَا تُقَدِّمُوا
- ۷- به عربی ترجمه کنید:
 تو یک زن بردی - ما جای دادیم - شما مردان عجله خواهید کرد -
 آن دو مرد دروغگو شدند - من آشکار می‌کنم

درس بیست و پنجم

نوع دیگر ابواب ثلاثی مزید فیہ (۲)

باب سوم: بر وزن «تَفَعَّلُ»، مانند: «التَّعَبَّلُ»: پذیرفتن و تصریفش چنین

است:

تَقَبَّلَ ماضی معلوم

يَتَقَبَّلُ مضارع معلوم

تَقَبَّلًا مصدر

فهو - مُتَقَبِّلٌ اسم فاعل

و - تُقَبِّلُ ماضی مجهول

يُتَقَبَّلُ مضارع مجهول

تَقَبَّلًا مصدر

فذاک - مُتَقَبَّلٌ اسم مفعول

الامر - تَقَبَّلْ امر

و النهی - لَا تَقَبَّلْ نهی

و از همین باب است:

التَّفَكَّهُ: میوه خوردن

التَّلَبُّثُ: درنگ کردن

اَلتَّعَجُّلُ: شتافتن

اَلتَّبَسُّمُ: لبخند زدن (یعنی چنان خندیدن که دندانها ظاهر شوند)

تذکر:

در باب «تَفَعَّلُ»، «تَفَاعَلُ»، «تَفَعَّلُ»، هر کجا که در اوّل کلمه، دو «تا» با هم جمع شوند، حذف نمودن یک «تا» جایز است، مانند: تَتَصَرَّفُ، تَتَضَارَبُ، تَتَدَخَّرُ، که بگوییم: تَصَرَّفُ، تَضَارَبُ، تَدَخَّرُ.

باب چهارم: بر وزن «مُفَاعَلَةٌ»، مانند: «اَلْمُقَاتَلَةُ وَ اَلْقِتَالُ»: با یکدیگر کارزار کردن، تصریفش چنین است:

قَاتَلَ ماضی معلوم
يُقَاتِلُ مضارع معلوم
مُقَاتَلَةٌ وَ قِتَالٌ مصدر
فهو - مُقَاتِلٌ اسم فاعل
و - قُوْتِلَ ماضی مجهول
يُقَاتِلُ مضارع مجهول
مُقَاتَلَةٌ وَ قِتَالٌ مصدر
فذاک - مُقَاتِلٌ اسم مفعول
الامر - قَاتِلٌ امر
و النهی - لَا تُقَاتِلُ نهی
و از همین باب است:

الْمُعَاقِبَةُ وَالْعِقَابُ: یکدیگر را شکنجه و عذاب کردن
 الْمَخَادَعَةُ وَالْخِدَاعُ: فریفتن و فریب دادن
 الْمُلَازِمَةُ وَاللِّزَامُ: با هم لازم گرفتن (چسبیدن با کسی یا چیزی)
 الْمُبَارَكَةُ: تبرک جستن به خداوند متعال یا به کسی یا به چیزی

پرسش و تمرین

- ۱- حذف یک «تا» در چه مواردی جایز است؟
- ۲- اسم مفعول مصدر «التَّبَثُّ» و ماضی مجهول «التَّبَسُّمُ» را صرف نمائید.
- ۳- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
 قُوتِلَا، مُقَاتِلَةٌ، عُوقِبَ، خَادَعٌ، لَازِمِي، بَارِكَا.
- ۴- پنج صیغه از مصدر «المخادعة» و پنج صیغه از مصدر «الملازمه» و پنج صیغه از مصدر «المباركة» انتخاب نموده و آنها را ترجمه کنید.
- ۵- اسم فاعل مصدر «المخادعة» را نوشته ترجمه کنید.
- ۶- صیغه‌های زیر را ترجمه نموده شماره آنها را مشخص سازید:
 تَفَكَّهْنَا - تَلَبَّثْنَا - يَتَلَبَّثَنَّ - لُوزِمَنَّ - تُعَاقِبَانِ.

درس بیست و ششم

نوع دیگر ابواب ثلاثی مزید فیه (۳)

باب پنجم: بر وزن «تَفَاعُلٌ»، مانند: «التَّقَابُلُ»: با یکدیگر روبرو شدن،

تصریفش چنین است:

تَقَابَلَ ماضی معلوم

يَتَقَابَلُ مضارع معلوم

تَقَابُلًا مصدر

فهو - مُتَقَابِلٌ اسم فاعل

و - تُقَابِلُ ماضی مجهول

يُتَقَابَلُ مضارع مجهول

تَقَابُلًا مصدر

فذاک - مُتَقَابِلٌ اسم مفعول

ألا امر - تَقَابِلُ امر

و النهی - لَا تَقَابِلُ نهی

و از همین باب است: التَّخَافُتُ: با یکدیگر سخن پنهان گفتن

التَّعَارُفُ: یکدیگر را شناختن

التَّفَاخُرُ: بر یکدیگر فخر کردن

تذکر:

مجموع ابواب ثلاثی مزید فیه که ملحق به رباعی نیستند چهارده باب است (که نه باب آن، از قسم اوّل (دارای همزه وصل) و پنج باب، از قسم دوّم (خالی از همزه) بیان شد، تا اینجا بحث ثلاثی به پایان رسید).

پرسش و تمرین

- ۱- مجموع ابواب ثلاثی مزید فیه چند باب اند؟
- ۲- صیغه های زیر را مشخص نموده، آنها را ترجمه نمائید.
يَتَخَفَتُونَ، مُتَعَارِفَاتُ، لَا تَتَفَاخَرُونَ، تُقْبَلَتَا، مُتَخَفِتَاتُ
- ۳- ماضی مجهول مصدر «الَّتَخَفْتُ» و مضارع مجهول مصدر «الَّتَفَاخَرُ» را صرف کنید.

درس بیست و هفتم

رباعی و انواع آن (۱)

رباعی بر دو قسم است: یکی مجرد که در آن حرف زایدی نباشد.
دوم: مزید که دارای حرف زاید باشد.

رباعی مجرد فقط دارای یک باب است که هم به صورت لازم و هم به صورت متعدی به کار می رود و آن بر وزن «فَعْلَلَةٌ» می باشد، مانند: «الْبَغْرَةُ»: برانگیختن، تصریفش چنین است:

بَغْرَ ماضی معلوم
يُبَغِّرُ مضارع معلوم
بَغْرَةً مصدر
فهو - مُبَغِّرٌ اسم فاعل
و - بُغِّرَ ماضی مجهول
يُبَغِّرُ مضارع مجهول
بَغْرَةً مصدر
فذاك - مُبَغَّرٌ اسم مفعول
الامر - بَغِّرْ امر
و النهی - لَا تُبَغِّرْ نهی

و از همین باب است:

الَّذِخْرَجَةُ: غلطانیدن و غلطیدن

الْعُسْكَرَةُ: لشکر ساختن

الْقَنْطَرَةُ: پل ساختن

الزَّعْفَرَةُ: با زعفران رنگ نمودن

رباعی مزید بر دو قسم است:

یکی آنکه دارای همزه وصل نیست، دوّم: آنکه دارای همزه وصل می باشد، آنکه دارای همزه وصل نیست فقط یک باب دارد و لازم است. و بر وزن «تَفْعُلُ» (مانند: «التَّسْرُيْلُ» پیراهن پوشیدن) می آید. این باب در قرآن مجید نیامده است. و تصریفش چنین است:

تَسْرَيْلٌ ماضی معلوم

يَتَسْرَيْلٌ مضارع معلوم

تَسْرِيلاً مصدر

فهو - مُتَسْرِيلاً اسم فاعل

الامر - تَسْرَيْلٌ امر

والنهي - لَا تَتَسْرَيْلٌ نهی

و از همین باب است:

التَّبْرِقُ: برقع پوشیدن^(۱)

۱- برقع، لباس بلند زنانه است که صورت را نیز می پوشد.

الْتَمَقُّهُرُ: مقهور و مغلوب شدن
الْتَزَنُّدُقُ: زندیق و بی دین شدن
الْتَبْخُتُرُ: با ناز خرامیدن و رفتن

پرسش و تمرین

- ۱- رباعی مجرد دارای چند باب است؟
- ۲- آیا رباعی مجرد به صورت متعدی هم می آید؟
- ۳- رباعی مزید که دارای همزه وصل نیست چند باب دارد؟
- فعل مضارع معلوم رباعی را از مصدر «الْدَّخْرَجَةُ» و اسم فاعل را از «الْقَنْطَرَةُ» صرف نمائید.
- ۵- نوع صیغه های زیر را مشخص نمائید.
يَتَبَرَّقَعَانِ، لَا تَزَنُّدُقُ، مُتَسَرِّبِلَةٌ، تَبْخُتِرَا، يُعْسِكِرُنَ، تَبَرَّقِعِي
- ۶- صیغه های زیر را ترجمه نموده شماره های آنها را مشخص کنید:
مُتَزَنِّدِقَةٌ - زَعْفَرَاءٌ - يَتَبَخْتِرُونَ - لَا تَتَمَقُّهُرَا - مُتَبَرِّقَعَاتٌ - يَقَنْطَرُونَ

درس بیست و هشتم

رباعی و انواع آن (۲)

نوعی دیگر از رباعی مزید آن است که دارای همزه وصل است و آن دو باب دارد که هر دو باب لازم‌اند:

باب اول: بر وزن «إِفْعَلَالٌ»، مانند: «الْأَبْرُنْشَاقُ»: شاد شدن، تصریف آن به شرح زیر می‌باشد:

إِبْرُنْشَقَ ماضی معلوم

يَبْرُنْشِقُ مضارع معلوم

إِبْرُنْشَاقًا مصدر

فهو - مُبْرُنْشِقُ اسم فاعل

الامر - إِبْرُنْشِقْ امر

والنهی - لَا تَبْرُنْشِقْ نهی

و از همین باب است:

الْأَخْرُنْجَامُ: جمع شدن

الْأَبْلِنْدَاحُ: گشاد شدن و فراخ شدن جایگاه

الْأَسْلِنْطَاحُ: بر قفا و پشت خوابیدن

الْأَعْرَنْكَاسُ: سیاه شدن موی

تذکر:

این باب در قرآن مجید وارد نشده است.

باب دوم: بر وزن «إِفْعَالٌ»، مانند: «الْأَفْشِعْرَاءُ»: موی برتن خاستن،

تصریفش چنین است:

إَفْشَعَرَّ ماضی معلوم

يَفْشَعِرُ مضارع معلوم

إَفْشِعْرَاءً مصدر

فهو - مُفْشِعِرٌ اسم فاعل

الامر - إَفْشَعِرْ، إَفْشَعِرْ، إَفْشَعِرْ امر

والنهی - لَا تَفْشَعِرْ، لَا تَفْشَعِرْ، لَا تَفْشَعِرْ نهی

و از همین باب است:

الْأَفْطَرَاءُ: شدیداً ناراضی و ناخشنود بودن

الْأَشْمِخْرَاءُ: بلند شدن

الْأَشْفِثْرَاءُ: پراکنده شدن

الْأَزْمِهْرَاءُ: سرخ شدن چشم

الْأَسْمِهْرَاءُ: سخت شدن خار

تذکر: این باب در قرآن مجید آمده است، کَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ. (قرآن کریم)

پرسش و تمرین

- ۱- رباعی مزیدی که همزه وصل را می پذیرد، چند باب دارد؟
- ۲- بابهای «افْعِلَّال» و «افْعِلَّال» لازم اند یا متعدی؟
- ۳- ماضی معروف مصدر «الْأَعْرَنَكَاسُ» را صرف نمائید.
- ۴- اسم فاعل مصدرهای «الْأَشْفِتْرَارُ» و «الْأَزْمِهْرَارُ» را صرف نمائید.
- ۵- نوع صیغه های زیر را مشخص نموده، آنها را ترجمه نمائید.
تَبَرَنْشِقَان، مُبْلَنْدِخُون، إِقْشَعِرْ، يَشْفِتْرُون، إِحْرَنْجَمَتَا، مُشْمَخَرَّةٌ.
- ۶- مضارع «الْأَقْمِطْرَار» و ماضی «الْأَسْلِنْطَاح» را با ترجمه آن بنویسید.

درس بیست و نهم

(۱) ثلاثی مزید ملحق به رباعی مجرد

ثلاثی مزید بر دو گونه است: یکی آنکه ملحق به رباعی مجرد است. دوّم: آنکه ملحق به رباعی مزیدفیه است.

ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی مجرد است آنرا هفت باب است:

باب اوّل: بر وزن «فَعَلَّلَ»، مانند: «الْجَلْبَبَةُ»: چادر پوشیدن، که

تصریفش چنین است:

جَلَبَبَ ماضی معلوم

يُجَلِبُّ مضارع معلوم

جَلْبَبَةٌ مصدر

فهو - مُجَلِبٌّ اسم فاعل

و - جَلِبٌ ماضی مجهول

يُجَلِبُّ مضارع مجهول

جَلْبَبَةٌ مصدر

فذاک - مُجَلِبٌّ اسم مفعول

الامر - جَلِبْ امر

والنهی - لَا تُجْلِبُ نهی

و از همین باب است:

الْشَّمْلَةُ: شتافتن

تذکر: این باب نیز در قرآن وارد شده است.

باب دَوَم: بر وزن «فَعَلَّةُ»، (بازیادتی «نون» میان عین و لام) مانند:

«الْقُلْنَسَةُ»: کلاه پوشیدن، تصریفش چنین است.

قُلْنَسَ ماضی معلوم

يُقْلِنَسُ مضارع معلوم

قُلْنَسَةً مصدر

فهو - مُقْلِنَسٌ اسم فاعل

و - قُلْنَسٌ ماضی مجهول

يُقْلِنَسُ مضارع مجهول

قُلْنَسَةً مصدر

فذاک - مُقْلِنَسٌ اسم مفعول

الامر - قُلْنَسٌ امر

والنهی - لَا تُقْلِنَسُ نهی

باب سَوَم: بر وزن «فَعُولَةٌ»، (بازیادتی «واو» میان عین و لام) مانند:

«السَّرْوَلَةُ»: شلوار پوشیدن، تصریفش به شرح زیر است:

سَرَوَلٌ ماضی معلوم

يُسَرَوَلُ مضارع معلوم

سَرْوَلَةٌ مصدر

فهو - مُسَرَوَلٌ اسم فاعل

و - سُرَوِلٌ ماضی مجهول

يُسَرَوِلُ مضارع مجهول

سَرْوَلَةٌ مصدر

فذاک - مُسَرَوِلٌ اسم مفعول

الامر - سَرَوِلٌ امر

والنهی - لَا تُسَرَوِلُ نهی

و از همین باب است:

الْجَهْوَرَةُ: صدا بلند کردن

باب چهارم: بر وزن «فَوَعَلَةٌ»، (با زیادتی «واو» میان فاء و عین) مانند:

«الْجَوْرَبَةُ»: جوراب پوشیدن و تصریفش به شرح ذیل است:

جَوْرَبٌ ماضی معلوم

يُجَوْرَبُ مضارع معلوم

جَوْرَبَةٌ مصدر

فهو - مُجَوْرَبٌ اسم فاعل

و - جُورِب ماضی مجهول
 يُجَوَرِب مضارع مجهول
 جَوَرِبَةٌ مصدر
 فذاک - مُجَوَرِب اسم مفعول
 الامر - جَوَرِب امر
 والنهی - لَا تُجَوَرِب نهی

و از همین باب است: الْحَوْقَلَةُ: خیلی پیر شدن

تذکر ۱:

بابهای دوّم، سوّم و چهارم نیز در قرآن وارد نشده‌اند.

تذکر ۲:

الحاق در لغت به معنای پیوستن می‌آید و در اصطلاح اهل صرف آن است که در کلمه، حرفی اضافه کنند تا آن کلمه بر وزن کلمه دیگر درآید برای اینکه همان حکمی که ملحق به دارد، ملحق نیز پیدا کند. و شرط الحاق آن است که مصدر ملحق با مصدر ملحق به، موافق باشد نه مخالف.

پرسش و تمرین

- ۱- ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی مجرد است، چند باب دارد؟
- ۲- مضارع مجهول مصدر «الْجَهْوَرَةُ» را نوشته، ترجمه نمائید.
- ۳- اسم مفعول مصدر «الْشَّمْلَةُ» را صرف نمائید.
- ۴- نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
جَلْبِنَ، يُقْلِنِسْنَ، مُسْرُوْلَةٌ، حُوْقِلْنَا، يُجَوْرِبَانِ.

درس سیام

(۲)

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مجرد

باب پنجم: بر وزن «فَعِلَةٌ»، (با زیادتى «یا» میان فا و عین) مانند:
 «الْخَيْعَلَةُ»: پیراهن بی آستین پوشیدن، تصریفش چنین است:

خَيْعَلٌ ماضی معلوم

يُخَيْعِلُ مضارع معلوم

خَيْعَلَةٌ مصدر

فهو - مُخَيْعِلٌ اسم فاعل

و - خُوْعِلَ ماضی مجهول

يُخَيْعِلُ مضارع مجهول

خَيْعَلَةٌ مصدر

فذاک - مُخَيْعِلٌ اسم مفعول

الامر - خَيْعِلْ امر

والنهی - لَا تُخَيْعِلْ نهی

و از همین باب است:

الْهَيْعَمَةُ: گواه شدن

الصَّيْطَرَةُ: برگماشته شدن

و در قرآن مجید آمده است، مانند: لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ.

تذکر:

«خُوْعِلَ» در اصل «خُيْعِلَ» بود، ماقبل «یا» مضموم بود، «یا» را به واو بدل کردند، خُوْعِلَ شد.

باب ششم: بر وزن «فَعِيلَةٌ» (با زیادتی «یا» میان عین و لام) مانند: «الشَّرِيفَةُ»: برگهای درخت را بریدن، و تصریفش به شرح زیر است:

شَرِيفٌ ماضی معلوم

يُشْرِيفُ مضارع معلوم

شَرِيفَةٌ مصدر

فهو - مُشْرِيفٌ اسم فاعل

و - شَرِيفٌ ماضی مجهول

يُشْرِيفُ مضارع مجهول

شَرِيفَةٌ مصدر

فذاک - مُشْرِيفٌ اسم مفعول

الامر - شَرِيفٌ امر

والنهی - لَا تُشْرِيفُ نهی

و از همین باب است:

الْجَزْیْلَةُ: زرانندوختن

باب هفتم: بر وزن «فَعْلَاءَةٌ»، (با زیادتی الف مبدله از یا بعد از لام)

مانند: «الْقُلْسَاءُ»: کلاه پوشیدن، که اصل آن «قُلْسِيَّةٌ» بود، «یا» متحرک،
ماقبل آن مفتوح، آن را به الف بدل کردند، قُلْسَاءُ شد. تصریفش چنین
است:

قُلْسِي ماضی معلوم

يُقْلِسِي مضارع معلوم

قُلْسَاءٌ مصدر

فهو - مُقْلِسٌ اسم فاعل

و - قُلْسِي ماضی مجهول

يُقْلِسِي مضارع مجهول

قُلْسَاءٌ مصدر

فذاک - مُقْلِسٌ اسم مفعول

الامر - قُلْس امر

و النهی - لَا تُقْلِس نهی

و از همین باب است: الْجَعْبَاءُ: افکندن

تذکر:

«يُقْلِسِي» در اصل خود «يُقْلِسِي» بود، ضمه بر یا دشوار بود، یا را
ساکن کردند، يُقْلِسِي شد.

«مُقْلِس» در اصل خود «مُقْلِسِي» بود، ضمه بر یا دشوار بود، یا را
ساکن کردند، آنگاه میان یا و تنوین، التقای ساکنین شد، یا افتاد، «مُقْلِس»
گردید. «قُلْسِي» بر اصل خود باقی است، تغییر نکرده است.

«يُقْلِسِي» در اصل خود «يُقْلِسِي» بود، یا متحرک، ماقبل آن مفتوح، یا به الف تبدیل گشت، يُقْلِسِي شد.

«مُقْلِس» در اصل خود «مُقْلِسِي» بود، یا را بواسطه فتحه ماقبل آن، به الف تبدیل کردند، آنگاه میان الف و تنوین، التقای ساکنین شد، الف افتاد، «مُقْلِسِي» شد.

«قْلِس» در اصل خود «قْلِسِي» بود، یا به عِلّت مجزوم بودن افتاد، قْلِس شد.

«لَا تُقْلِس» در اصل خود «لَا تُقْلِسِي» بود، یا به عِلّت مجزوم بودن افتاد، «لَا تُقْلِس» شد.

تذکر:

بابهای ششم و هفتم نیز در قرآن وارد نشده‌اند.

پرسش و تمرین

- ۱- «خُوْعِلَ» در اصل چه بوده است؟ تعلیل نمائید.
- ۲- «قَلْسَاةٌ» در اصل چه بوده است؟ تعلیل کنید.
- ۳- «يُقْلِسِي» و «مُقْلِسٍ» در اصل خویش چه بوده اند.
- ۴- «مُقْلِسِي» و «قَلْسٍ» در اصل چه بوده اند؟ و چگونه به این صیغه‌ها تبدیل شده اند؟
- ۵- ماضی مجهول «الْصَّيْطَرَةُ» را صرف نمائید.
- ۶- اسم مفعول «الْبَجَزِيلَةُ» را صرف نموده، ترجمه نمائید.
- ۷- مضارع معلوم مصدر «الْقَلْسَاةُ» را صرف کنید.
- ۸- صیغه‌های زیر را مشخص نموده ترجمه کنید:
تُقْلِسِيَانِ - شَرِيفِي - مُجْعِفِيَاتُ - جَعِبَ - مُجَزَعِلُ.

درس سی و یکم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۱)

ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی مزید است، بر دو گونه است: یکی آنکه ملحق به «تَدَخَّرَجَ» باشد. دوّم: آنکه ملحق به «إِحْرَنْجَمَ» است. آنکه ملحق به «تَدَخَّرَجَ» باشد آن را هشت باب است:

باب اوّل: بر وزن «تَفَعَّلُ»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و تکرار لام) مانند: «التَّجَلَّبَبُ»: چادر پوشیدن، تصریفش چنین است:

تَجَلَّبَبَ ماضی معلوم

يَتَجَلَّبَبُ مضارع معلوم

تَجَلَّبَبًا مصدر

فهو - مُتَجَلَّبِبٌ اسم فاعل

الامر - تَجَلَّبِبْ امر

والنهی - لَا تَتَجَلَّبِبْ نهی

و از همین باب است: التَّغَبَّرُ: غبار آلود شدن

باب دوّم: بر وزن «تَفَعَّلُ»، (با زیادتی «تا» قبل از «فا» و «نون» میان

عین و لام) مانند: «التَّقْلُسُ»: کلاه پوشیدن، که تصریفش چنین است:

تَقْلُسُ ماضی معلوم
يَتَقْلُسُ مضارع معلوم
تَقْلُسًا مصدر
فهو - مُتَقْلِسٌ اسم فاعل
الامر - تَقْلُسْ امر
والنهي - لَا تَقْلُسْ نهی

باب سَوَم: بر وزن «تَمَفَّلُ»، (با زیادتی «تا» و «میم» قبل از فا) مانند:
الْتَمَسْكُنْ: مسکین شدن، تصریفش به شرح زیر است:

تَمَسْكُنْ ماضی معلوم
يَتَمَسْكُنْ مضارع معلوم
تَمَسْكُنًا مصدر
فهو - مُتَمَسِكِنٌ اسم فاعل
الامر - تَمَسْكُنْ امر
والنهي - لَا تَمَسْكُنْ نهی

و از همین باب است:

الْتَمَنَدُلْ: مسح کردن دست با منديل و حوله، يُقَالُ: تَمَنَدَلَ الرَّجُلُ إِذَا
مَسَحَ بِالْمِنْدِيلِ يَدَهُ.^(۱)

۱- باید دانست که این باب شاذ و بلکه غلط است، زیرا که میم آن طبق کلام فصحاء از حروف اصلی به شمار نمی آید.

باب چهارم: بروزن «تَفَعَّلَ»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و بعد از لام)

مانند:

«الْتَعَفَّرْتُ»: عفریت شدن، يُقَالُ: تَعَفَّرَتِ الرَّجُلُ إِذَا صَارَ عِفْرِيَةً أَى

حَبِيشًا، تصریفش چنین است:

تَعَفَّرْتُ ماضی معلوم

يَتَعَفَّرُ مضارع معلوم

تَعَفَّرْتُ مصدر

فهو - مُتَعَفِّرٌ اسم فاعل

الامر - تَعَفَّرْ امر

والنهی - لَا تَتَعَفَّرْ نهی

پرسش و تمرین

۱- ثلاثی مزیدی که ملحق به «إِخْرَجَ» است، چند باب دارد؟

۲- اسم فاعل مصدر «الْتَعَفَّرُ» را صرف نمائید.

۳- امر مصدر «الْتَقَلَّسُ» را صرف کنید.

۴- نوع صیغه‌های زیر را مشخص نموده، آنها را ترجمه نمائید:

تَمَسَّكْنَا، مُتَمَنِّدِلَهُ، تَعَفَّرْتَا، تَجَلَّبَبْنَا، تَقَلَّسْتُ، تَعَفَّرْتِي

۵- ماضی معلوم «التعفرت» و مضارع «التغبرر» را صرف نموده

ترجمه کنید.

درس سی و دوم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۲)

باب پنجم: بر وزن «تَفْعُولُ»، (بازیادتی «تا» قبل از «فا» و «واو» میان فا و عین) مانند: «التَّجَوُّزُ»: جوراب پوشیدن، تصریفش به شرح زیر می باشد:

تَجَوَّزَ ماضی معلوم

يَتَجَوَّزُ مضارع معلوم

تَجَوُّزًا مصدر

فهو - مُتَجَوِّزٌ اسم فاعل

الامر - تَجَوَّزْ امر

والنهی - لَا تَتَجَوَّزْ نهی

و از همین باب است:

التَّكَوُّرُ: بسیار شدن

باب ششم: بر وزن «تَفْعُولُ»، (بازیادتی «تا» قبل از «فا» و «واو» میان

عین و لام) مانند: «التَّسْرُؤُ»: شلواری پوشیدن، تصریفش چنین است:

تَسْرَأَ ماضی معلوم

يَتَسَرَّوْلُ مضارع معلوم
تَسَرَّوْلاً مصدر
فهو - مُتَسَرَّوْلٌ اسم فاعل
الامر - تَسَرَّوْلٌ امر
والنهي - لَا تَتَسَرَّوْلُ نهی
و از همین باب است: اَلتَّذَهُوْرُ: گذشتن و سپری شدن شب.

باب هفتم: بر وزن «تَفْعِلُ»، (با زیادتی «تا» قبل از «فا» و «یا» میان فا و عین) مانند: «اَلتَّخَيَّلُ»: پیراهن بی آستین پوشیدن، تصریفش به شرح زیر است:

تَخَيَّلَ ماضی معلوم
يَتَخَيَّلُ مضارع معلوم
تَخَيُّلاً مصدر
فهو - مُتَخَيِّلٌ اسم فاعل
الامر - تَخَيَّلُ امر
والنهي - لَا تَتَخَيَّلُ نهی
و از همین باب است:

اَلتَّغْيَهُرُ: بی سر و سامان شدن
اَلتَّشْيِطُنُ: نافرمان شدن و نافرمانی کردن

باب هشتم: بر وزن «تَفْعَلٍ»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و «یا» بعد از لام) که در اصل «تَفْعَلُی» بوده، ضمه لام را به کسره بدل کردند از جهت موافقت با «یا»، آنگاه ضمه بر «یا» دشوار شد، «یا» را ساکن کردند، سپس التقاء ساکنین شد میان یا و تنوین، «یا» افتاد، تَفْعَلٍ شد، مانند: «التَّقْلِسُ»: کلاه پوشیدن، تصریفش به شرح زیر است:

تَقْلِسُ ماضی معلوم
يَتَقْلِسُ مضارع معلوم
تَقْلِسًا مصدر
فهو - مُتَقْلِسٌ اسم فاعل
الامر - تَقْلَسْ امر
والنهی - لَا تَقْلَسْ نهی

تذکر:

اضافه شدن «تا» در اوّل این ابواب، به خاطر الحاق نیست، بلکه برای رساندن معنی مطاوعت و فرمانبرداری و اثرپذیری است، چنانکه در «تَدْخِرُج» بود، زیرا که الحاق به صورت اضافه نمودن حروف در اوّل کلمه، ثابت نیست.

پرسش و تمرین

۱- «تَقْلِسْ» در اصل چه بوده است؟

۲- تائیکه در اوّل ابواب مذکوره اضافه می شود، برای چه هدفی

است؟

۳- فعل نهی مصدر «التَّجَوُّبُ» را صرف نمائید.

۴- مضارع معلوم مصدر «التَّذْهَوُّ» را صرف کنید.

۵- پنج صیغه از مصدر «التَّقْلِسُ» و پنج صیغه از مصدر «التَّشْيِطُنُ»

نوشته، آنها را ترجمه نمائید.

۶- صیغه های زیر را مشخص نموده ترجمه نمائید.

تَذْهَوُّوْا - تَشْيِطْنِی - مُتَخَيِّلَاتُ - تَسْرُوْنَا - تَتَجَوَّبُ -

لَا تَشْيِطُنْ.

درس سی و سوم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۳)

ثلاثی مزیدی که ملحق به «اِخْرُجْ» بود، دارای دو باب است و هر دو باب در قرآن مجید نیامده است:

باب اوّل: بر وزن «اِفْعِلَالٌ»، (بازیادتی همزه وصل قبل از «فا» و «نون» بعد از عین و تکرار لام) مانند: «اَلَا فَعْنَسَاسٌ»: برگشتن با تندی و سخت مرتجع شدن، و تصریفش به شرح زیر است:

اِفْعَنْسَسَ ماضی معلوم

يَفْعَنْسِسُ مضارع معلوم

اِفْعَنْسَاساً مصدر

فهو - مُفْعَنْسِسٌ اسم فاعل

الامر - اِفْعَنْسِسْ امر

والنهی - لَا تَفْعَنْسِسْ نهی

و از همین باب است: اَلَا عِرْنَكَائُ: سیاه شدن موی

باب دوّم: بر وزن «اِفْعِلَالٌ»، (با زیادت همزه وصل قبل از «فا» و

«نون» میان عین و لام و «یا» بعد از لام) مانند: «الْإِسْلَامُ»: بر پشت خوابیدن، تصریفش چنین است:

إِسْلَمْتُ ماضی معلوم

يَسْلُمُ مضارع معلوم

إِسْلَامًا مصدر

فهو - مُسْلِمٌ اسم فاعل

الامر - اِسْلَمْ امر

و النهی - لَا تَسْلَمْ نهی

و از همین باب است: الْإِسْرَاءُ: غلبه کردن خواب بر انسان

تذکره: «إِسْلَامًا» در اصل خود «إِسْلَامًا» بوده است، یا بعد از الف

ساقط شد، سپس همزه به آن اضافه کردند، «إِسْلَامًا» گردید.

پرسش و تمرین

- ۱- ثلاثی مزیدی که ملحق به «اِخْرَجَمَ» است، چند باب دارد؟ نام ببرید.
 - ۲- «اِسْلِقَاءُ» در اصل خویش چه بوده است؟ و چه تغییری آمده است؟ توضیح دهید.
 - ۳- فعل مضارع و اسم فاعل مصدر «اِقْعِنْسَاسُ» را صرف نمائید.
 - ۴- فعل ماضی مصدر «اَلَاغِرْنَكَائُ» و مضارع مصدر «اَلَاِسْرِنْدَاءُ» را صرف کنید.
 - ۵- صیغه‌های زیر را از مصدرهای «اِقْعِنْسَاسُ» و «اِسْرِنْدَاءُ» بنویسید و ترجمه کنید.
- جمع مؤنث غایب - واحد متکلم - تثنیه مخاطب مذکر - از ماضی
جمع مذکر مخاطب - تثنیه مؤنث غایب - جمع متکلم - از مضارع

منشعب منظوم

بعد حمد خدا و نعت رسول

گوش کن از من ظلوم و جهول

فعل از آن رو که از حروف اصول

شد مرکب دو نوع شد منقول

موخرش می‌کنم به نظم بیان

یک ثلاثی، دگر رباعی دان

هر یکی زین دو قسم را ای یار

چون مجرد، مزیدفیه شمار

پس ثلاثی مجرد است دو قسم

مطرد، شاذ دان تو آن را اسم

مطرد شد به پنج^۵ باب علم

نصر^۱ و ضرب^۲ و سمع^۳ و فتح^۴ و کرم^۵

شاذ را نیست زائد از سه باب

حسب^۱ و فضل^۲ است کاد^۳ هم دریاب

غیر ملحق تو اولاً بنگر

همزه وصل آیدش بر سر

یا نیاید تو بعد از این دریاب

کان درآید از و بود نه^۹ باب

اجتناب^۱ است و دیگر استنصار^۲

انفطار،^۳ احمرار،^۴ احمرار^۵

باز اخشوشن^۲ است و افعوال^۷

هشتم اثاقل^۸ ای جوان در حال

نهم اطهر^۹ آمد آن بی فصل

و انکه ناید بر و زهمزه وصل

پنج^۵ باب است: اوّلین اکرام

باز تکریم،^۲ پس تقبل^۳ نام

چهارمین را مقاتله^۴ بشمار

پنجمین شد: تقابل،^۵ از بردار

پس رباعی مجرد از زائد

غیر یک باب «بَعَثَر» ناید

بر دو گونه مزیدفیه بدان

یک مع حرف وصل و یک بی آن

لیک آن قسم اوّلین این یار

باب احرنجم است و اقشعرار

دومین قسم را تو ای دلبر

غیر باب تدحرج مشمر

پس ثلاثی فسیه که او

بارباعی است ملحق، از وی گو

چون رباعی مجرد است و مزید

ملحقش نیز بر دو گونه گزید

آنکه ملحق از آن مجرد راست

هست بر هفت^۷ باب بی کم و کاست

جَلْبَبْ، اَقْلَسْ^۲ تو جَوْرَبْ^۳ دان

سروله،^۴ خیعله،^۵ و شریف^۶ دان

هفتمین زان همه بود قَلْسَاة^۷

ملحقات مزید گویم بات

آنکه ملحق تدحرج بگشت

جمله ابواب آن بیاید: هشت^۸

التجلبب،^۱ دگر تقلنس^۲ خوان

پس تمسکن،^۳ دگر تعفرت^۴ دان

پس تجورب^۵ هم از تسرول^۶ گو

پس تخیعل،^۷ تقلنس^۸ ای خوشخوی

وان که ملحق بود به احرنجام

بر دو بابش کنیم ختم کلام

بعد خوض تمام و استقراء

آمد اقـعنسس و اسـلنقاء

بهر تیسیر حفظ و ضبط تمام
کردمش نظم با دعا و سلام

تمت بالخیر

و آخر کلمتنا ان الحمد لله رب العالمین.

در مورخ ۲۶ اسفند ۱۳۶۸ هـ ش، مطابق با ۱۹ شعبان ۱۴۱۰ هـ ق، شب
شنبه بعد از نماز مغرب، کار ترتیب این کتاب به اختتام رسید، از خوانندگان و
طلاب محترم و استفاده کنندگان التماس دعای خیر را دارم.

(و الله الموفق)

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

دارالعلوم زاهدان

۱۳۶۸/۱۲/۲۶ هـ ش

۱۴۱۰/۸/۱۹ هـ ق

تصحیح و بازنگری: شهریور ۱۳۷۶ هـ ش - مشهد - زندان وکیل آباد

